

یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه دوم مردادماه ۵۹ شماره ۸۱ تک شماره ۱۰ ریال

نیروی ضربتی ویژه امپریالیسم آمریکا

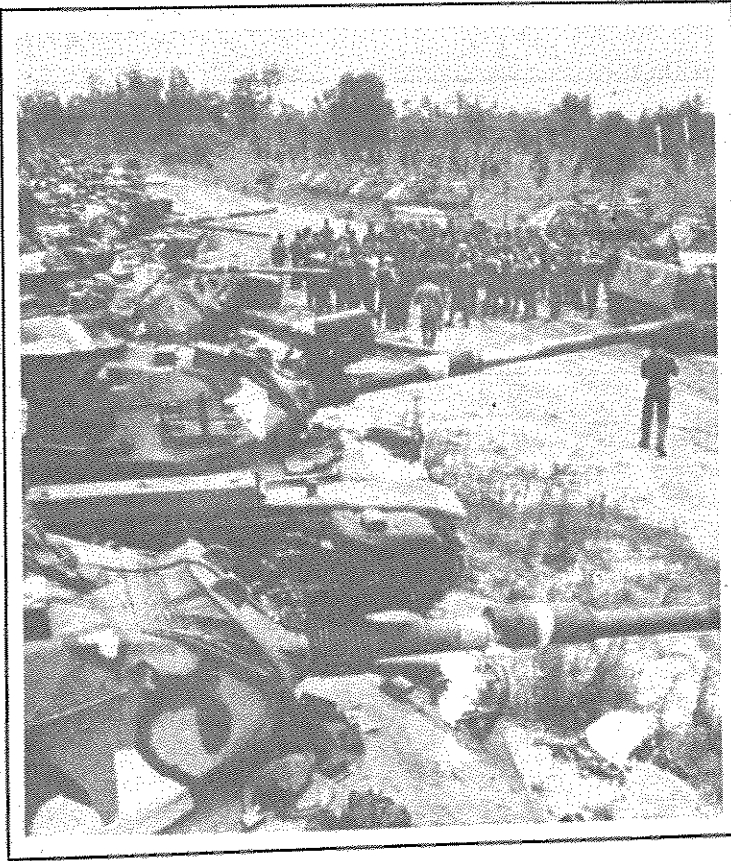
آماده انجام «ماموریت»

فلاش آمریکا برای حفظ منافع باقیمانده

نیروی دوپست هزار نفری ضربتی ویژه مداخله در منطقه «سریسا» شکل گرفته و آماده انجام ماموریت خویش میشود. این «ماموریت» که ژنرال کلی فرمانده نیروی ضربتی ویژه آنرا «استراتژی پیشگیری» مینامد، عبارت

بقیه در صفحه ۲

ابرقدرت امپریالیستی آمریکا پس از شکست‌های بزرگی که در هند و چین و ایران متحمل شده، برای حفظ منافع باقیمانده خود در منطقه خلیج فارس و سوئیزه برای مقابله با پیشروی امپریالیسم روسیه در این منطقه، به سرعت تدارک می‌بیند.



نیروی ضربتی ویژه امپریالیسم آمریکا برای عملیات در منطقه خلیج فارس، در صحرای نوادای آمریکا تمرین می‌کند.

در برابر توطئه‌های دوا برف قدرت و عمیال داخلی آنها نیروهای انقلاب باید متحد شوند

به نبرد تاریخساز
مجاهدان افغانستان
یاری رسانیم
دفاع از انقلاب افغانستان

دفاع از استقلال همه کشورهای منطقه است

روستاهای رازیر بمباران جت‌های بمب افکن خود گرفته‌اند. مطابق همین گزارشات مبارزین افغانی در تهاجم پیروزستانهای بدفروگاه جلال‌آباد ۳ هلیکوپتر و عتاک روسی را نابود ساخته‌اند. در عین حال معاون وزارت آموزش و پرورش دولت کارمل که چندی پیش

نیروهای مبارز افغانی از جبهه نبرد گزارش میدهند که جنگ از نقاط مختلف افغانستان بین نیروهای انقلابی و قوای متجاوز روسی شدت ادامه دارد. در این بین متجاوزین روسی همزمان با آغاز بازیهای تابستانی مسکو بردت حملات هوایی خود علیه مردم افغانستان افزوده‌اند. و

بقیه در صفحه ۲

اطلاعه
حزب رنجبران ایران
در باره اشغال دفتر «رنجبر»

جنگ مرگ و زندگی است. آمریکا با داشتن ایران، خلیج فارس را دارد، نفت را دارد، شریان حیاتی اروپا را دارد، دریگ کلام جهان صنعتی را دارد و امکان سلطه بر جهان را.

روسیه با داشتن ایران و شریان نفت، اروپا را به زانو در می‌آورد و پشت سر آن آمریکا را. واقای جهان میشود.

پس این هر دو برای آقایی بر جهان، بر سر ایران با یکدیگر می‌جنگند، جنگ دوراهن بزرگ برای جنگ

امریکا و روسیه برای ایران نقشه میکشند، نقشه بلعیدن ایران را. ایران برای آنها یک حلقه است، حلقه‌ای از استراتژی سلطه طلبی جهانی آنها. جنگ آنها بر سر ایران

نظم و قانون

پس از دیگری مستقر می شوند و این یک عامل مثبت به سود تحکیم انقلاب و پایان دادن به هرج و مرج و استقرار نظم انقلابی در تمام شئون جامعه است. لکن ما در حال حاضر در سطح جامعه به موازات استقرار نهادها، با حرکتی متضاد نیز روبرو هستیم و آن گسترش هرج و مرج و خودکامگی است. این عوامل هرج و مرج روزانه و بصورت خشنی مشروعیت نهادهای قانونی منبتت از مردم را زیر سؤال قرار میدهند.

در حالیکه امام خمینی تاکید نموده "مجلس مرکز همه قدرتها است" و "همه باید از روی قانون عمل بکنند"، مراکز متعدد قدرت در کلیه عرصهها به حیات خود ادامه میدهند و بخصوص در یک ماه اخیر فعالیت خود را تشدید کرده اند. این امر بویژه در زمینه آزادیها و امنیت قضائی چشمگیر است. تعرض به آزادیها تنها و عمدتاً تعرض به حقوق گروههای سیاسی مدافع انقلاب از جمله حزب مانیست، بلکه عمدتاً تعرضی است به اصول اساسی جمهوری اسلامی، به اصول مصرحه در قانون اساسی این جمهوری. این تعرضات بیش از آنچه گروهها را تضعیف کند، جمهوری اسلامی را تضعیف می کند و تضعیف جمهوری اسلامی هیچ چیز نیست مگر زمینه سازی برای توطئه های ضد انقلاب داخلی و خارجی، یعنی دوا بر قدرت و اعمال آنها.

حزب ما بمتابیه یک نیروی هوادار صادق انقلاب اسلامی و آرمان استقلال و آزادی آن قبل از هرجیز از این بابت نگران است و نه فقط از بابت حقوق دمکراتیک خود یعنی آزادی بیان و تحزب و اجتماع که توسط قانون اساسی صراحتاً تضمین شده است.

این نگرانی پایه و اساس دارد. همانطور که در گذشته کرا تا تاکید نمودیم ما از آندسته کسان نیستیم که از تزلزل جمهوری اسلامی بوجد می آیند و رویای تصرف قدرت را برای خود نزدیک شده می بینند. ما برخلاف چپ نماها و "مارکسیست" های دروغین عمیقاً آگاهیم که در شرایط کنونی، تزلزل و سقوط جمهوری اسلامی تنها به سود ابرقدرتها است و کسانی که تصور میکنند از این نمد برای آنها هم کلاهی خواهد ماند یا خواب می بینند و یا در خدمت ابرقدرتها کار می کنند.

هرج و مرج کنونی و بی قانونی حاکم بر جامعه ما اگر مهار نشود، اگر هرچه بقیه در صفحه ۲

بامناف مردم ما و... خلقهای جهان بکلی بیگانه است، اگر چه بقیه در صفحه ۶

گستار فجیع ضد انقلاب

در اثر انفجار ۳ بمب در تهران
بیش از صد تن کشته و مجروح شدند

صبح دیروز جنایت دیگری توسط دشمنان انقلاب ایران صورت گرفت و عوامل دشمن با کار گذاشتن بمب در یکی از مراکز خرید تهران (پاساژ کمیانی) باعث قتل قریب به ده تن و مجروح شدن بیش از صد تن از هم وطنانمان گردیدند. ضد انقلاب وابسته به امیر - یالیسم با گستاخ و حشیانه تلاش میکند تا مردم را مرعوب و وحشت زده سازد و در دفاع از انقلاب آنان را بحالست انفعال بکشد.

ضد انقلاب وابسته به شرق و بقیه در صفحه ۲

مجلس

اعتبارنامه احمد غضنفر پور تصویب شد

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه اول مرداد ماه اعتبار نامه آقای احمد غضنفر پور نماینده مردم لنجان با اکثریت آراء تصویب شد.

در این جلسه پس از سخنان بیش از دستور آقایان دکتر سیدرضا پاک نژاد و پرورش، گزارش کمیسیون تحقیق توسط آقای ابراهیم یزدی قرائت گردید. طبق این گزارش اعتبار نامه آقای احمد غضنفر پور بقیه در صفحه ۵

روز سه شنبه ۳۱ تیر دفتر روزنامه "رنجبر" (ارگان حزب رنجبران ایران) در تهران توسط عده ای به زور اشغال شد. این عمل در پی موجی از این گونه اعمال که تر و خشک را می سوزاند، در وضعیت حساس جامعه می تواند لطامات جبران ناپذیری به کشور و انقلاب وارد آورد. همه شاهد حاکی از آنند که در رویا روتی کشور و انقلابمان با دوا بر قدرت شرق و غرب موقعیت حساسی بوجود آمده است. امپریالیسم جنایتکار آمریکا و عمال سرسپرده آن توطئه های متعدد کودتا را سازمان می دهند. ابر قدرت سوسیال - امپریالیستی شوروی و عملش علاوه بر دامن زدن به توطئه های رنگارنگ تلاش دارند از آب گل آلودماهی بگیرند. همه اینها نیز در وضعیتی انجام می گیرند که اوضاع اقتصادی نابسامان است، فشار گرانی و مشکلات دیگر زمینه راضائی بوجود آورده اند. در این شرایط بحرانی وحدت و فشرده گی صفوف ملت مسلمان و نیروهای استقلال طلب کشور بیش از هر زمان دیگر ضروری گشته و توده های وسیع مردم خواهان برقراری آن می باشند.

قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران با تاکید صریح بر حقانیت آزادی های سیاسی و حقوق اجتماعی در کشور و به رسمیت شناختن آن، شرط مهم در ایجاد این وحدت و همبستگی را فراهم آورده، اما به دنبال یکسری اقدامات ضد دمکراتیک از جانب محافل و کانونهای غیر مسئول و خود کامه مانند حمله و اشغال دفاتر احزاب و دستجات سیاسی و منجمه دفاتر حزب ما در شیراز، بوشهر و اهواز و بالاخره تهران تهدید جدی نسبت به این شرط مهم و در نتیجه اتحاد بزرگ ملی بوجود آمده است. حمله به دفتر حزب ما در روز ۳۰ تیر یعنی سالروز قیام ملی علیه طاغوت و استبداد، یعنی روزی که رئیس جمهور با رسمیت یافتن مجلس شورای اسلامی، سرکند دفاع از قانون اساسی را ادا می کند، آنهم توسط جمعی غیر مسئول که این عمل را به نام اسلام و خط امام انجام داده اند، نمی تواند مگر دشمنان استقلال را خوشحال کند. زیرا که دمکراسی و آزادی جزئی جدائی ناپذیر از استقلال کشور و انقلاب اسلامی است.

این اقدام افراد و کانونهای غیر مسئول بدون تردید به بار و انقلاب اسلامی که بیش از هفتاد هزار شهید در پاسداری از حق در برابر ناحق داده است، نه با قانون اساسی و نه با نیاز شدید کشورمان به برقراری نظم و قانون انقلابی تطابق دارد.

این گونه اقدامات این محافل به گفته رئیس جمهور "جمهوری را از راه زور گوئی و دخالت در اموری که به آنها مربوط نیست به عصر جاهلیت شاهنشاهی بر می گرداند. اینگونه اقدامات نافی تصویر روشنی است که امام خمینی بارها و بارها درباره جمهوری اسلامی ترسیم کرده است. اینگونه اقدامات اگر حتی با نیت خیر و صواب و برای برقراری نظم جمهوری اسلامی عملی گردیده باشند، نتیجش جز دامن زدن به آنا رشیسم، تشنج و هرج و مرج نخواهد بود و از آن هم ابر قدرت ها و عملشان به بهترین وجهی سود خواهند جست. به همین جهت ما خواهان اقدام جدی و فوری مقامات و ارگانهای قانونی کشور جهت پایان دادن به این اعمال خود سرانه غیر قانونی و اخراج افراد غیر مسئول از دفاتر حزبی ما و باز گرداندن آن می باشیم. در عین حال لازم می دانیم به هموطنان عزیز و مسئولین کشور اعلام نمائیم از ساعت اشغال دفتر حزب ما در تهران، هیچگونه مسئولیتی در قبال مسائلی که ممکن است بعداً به صورت پرونده سازی علیه حزب ما سر هم بندی شود را قبول ننموده و آن را بی اساس اعلام می کنیم.

۳۱ تیر ۱۳۵۹
حزب رنجبران ایران

نامه اعتراضی حزب ما به جرایم

درباره باصطلاح گشف بمب در مرکز حزب

در صفحه ۲

حزب توده

دشمن جمهوری اسلامی از سلطنت طلبی تا جبهه واحد ضد دیکتاتوری

حیلهای برای به انحراف کشاندن جنبش انقلابی

منفور. این جنبش در دهه ۱۳۵۰ آن چنان گسترده و توسعه یافت که به انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام منجر شده و رژیم شاه را سرنگون ساخت. شعار "مرگ بر شاه" و این جمله امام که "شاه باید برود!" در واقع از قیام ۱۵ خرداد به بعد شعار های توده های مبارزان و مسلمانان انقلابی بود.

دو خصوصیت مهم جنبش نون خلقهای ایران، چه در بخش سوسیالیسم انقلابی و چه در بخش اسلام مبارز (پس از ۱۵ خرداد) عبارت بود از ۱- مبارزه بیگانه برای سرنگونی سلطنت وابسته پهلوی. ۲- قاطعیت و سازش ناپذیری در برابر کل هیات حاکمه

نامه ای از هوادار سابق سازمان چریکها با پذیرفتن خط مشی حزب رنجبران ایران مبارزه را در مرحله اول زندگی خود قرار دادم

رفقای که از اعضا هواداران سازمانهای سیاسی دیگر بوده و به حزب رنجبران ایران می پیوندند نظرات و احساسات خود را صادقانه برای ما می نویسند. در گذشته بعضی از نامه های آنها را چاپ کردیم و هفته گذشته نیز نامه رفیق را که از سازمان چریکها جدا شده و به حزب پیوست به چاپ رساندیم.

اینک نامه رفیقی دیگر را چاپ می کنیم که بیان می کند چگونه با پذیرفتن خط مشی حزب رنجبران ایران خود را از انحرافات و انحطاط سازمان چریکها و آنطور که خود می گوید از ناامیدی و دلسردی از مبارزه نجات داد.

بقیه در صفحه ۴

اما کمیته مرکزی خائن حزب توده با این دو خصوصیت جنبش انقلابی ایران که به پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران منجر شد، در تضاد و دشمنی قرار داشت. این مزدوران اولاً سالها کوشیدند تا با برسمیت شناختن سلطنت شاه اجازه فعالیت قانونی در خارج آن رژیم را بدست آورند. ثانیاً وقتی که بنا بر منافع ارباب به اصطلاح شعار "سرنگونی شاه" را پیش کشیدند، سعی کردند باز هم "سلطنت" را حفظ نمایند و ثالثاً در عین حال کوشیدند با بخشی از هیات حاکمه رژیم شاه سازش کنند تا در بالا در قدرت حاکمه شرکت نمایند.

سران حزب توده از سال ۱۳۵۲ شعار "سرنگونی" را پیش کشیدند. علت این امر دقیقاً در این بود که آن زمان اربابان سوسیال امپریالیست آنها (روسیه) در رقابت با ابر قدرت دیگر (آمریکا) تهاجم گسترده ای را برای سلطه بر جهان آغاز کرده و در نتیجه روابط سران حزب توده (نوگر روس) با شاه (نوگر آمریکا) بار دیگر تیره می شود.

کمیته مرکزی حزب توده که تا آن زمان تنها برای تغییر شی رژیم شاه کوشش می کرد و می گفت: "مردم ایران باید با مبارزه خود هیات حاکمه را به تغییر شی وادارند". (مردم - تیر ۵۱)، طرفدار شعار "سرنگونی بقیه در صفحه ۲



ساکنان آپارتمانهای آبکوه - مشهد نامه‌ای سرگشاده به ریاست جمهوری

در شماره‌های قبل "رنجبر" گزارشی از وضع ساکنان آپارتمان‌های آبکوه (مشهد) و بلا تکلیفی آنان منعکس نمودیم. ساکنان این آپارتمان‌ها که اکثراً مستضعف هستند تا کنون چند بار تهدید به اخراج شده‌اند و هم اکنون علاوه بر آنکه از بعضی لحاظ در مضیقه هستند، هنوز مراجع قانونی تکلیف آنها را روشن نکرده‌اند.

ساکنان آبکوه نامه‌ای سرگشاده خطاب به ریاست جمهوری نوشتند که یک نسخه آن را برای چاپ در رنجبر ارسال کرده‌اند و ما این نامه را عیناً چاپ می‌کنیم.

۵۹/۴/۲۶

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر بنی‌صدر ریاست جمهوری با کفایت ایران

احتراما، ما امضاء کنندگان زیر که همگی جزء طبقه کارگر و زحمتکش بوده و افتخار می‌کنیم که در پیروزی انقلاب نقش ویژه‌ای داشتیم، و در تمام راه پیمائی‌ها و تظاهرات و اعتصابات شرکت نموده و شهدای زیادی در راه انقلاب کبیرمان داده‌ایم و خوشحال هستیم و از طرفی خدا را هم شکر می‌کنیم که مجاهدین عالی انقلاب اسلامی مانند شما که پیرو خط امام بوده و به رای ملت و فرمان امام عهده دار این سمت حساس شده‌اید و تا کنون گام‌های موثری در راه استقلال از دو ابر قدرت برداشته‌اید و همچنین در راه سرو سامان دادن به وضع مردم و مملکت نیز مثبت بوده است.

همان طور که امام امت بارها فرموده‌اند که به وضع مسکن و زندگی مستضعفین رسیدگی شود، ولی متأسفانه تا کنون برای ما هیچگونه قدمی برداشته نشده است و ما را با ارباب و زندانی کردن زنهایمان از خانه‌ها بیرون کردند و اکنون حدود ۵۰۰ نفر چادر نشین شده‌اند.

و متأسفانه با بر حسب زدن "ضد انقلاب" و "فرصت طلب"، مسئولین امور می‌خواهند که پوششی برای اعمال غیر انسانی خود در قبال چند صد نفر زن و فرزند محروم درست کنند.

ما ساکنین آپارتمان‌های مرتفع آبکوه (مشهد) حاضریم که دقیقاً و عمیقاً از طریق نمایندگان مسئول شما وضعیت ما را رسیدگی فرمایند تا ببینند که ما اکثراً کارگر و از طبقه زحمتکش و فاقد خانه بوده و به هیچ عنوان وام مسکن نگرفته‌ایم

تلاش آمریکا ...

بقیه از صفحه اول

است از پیاده کردن نیرو در مناطق نفت خیز خاورمیانه و سواحل خلیج فارس برای مقابله با جلوگیری از اشغال این مناطق توسط ارتش امیرالیسم روسیه. امیرالیسم آمریکا در یک تلاش کم سابقه که به قول نشریات آمریکائی "سریعترین برنامه تسلیحاتی پس از جنگ ویتنام" می‌باشد. این نیروی ضربتی ۲۰۰ هزار نفری را که از دو لشکر هوایرد و یک لشکر زرهی تشکیل شده است ایجاد کرده است. سازماندهی این نیروی تجاوزگر و اشغالگر طوری است که میتواند بگفته فرماندهان نظامی آمریکا "اولین گروه را در عرض ۴۸ ساعت در آبادان پیاده کند". وظیفه اصلی این نیرو، مقابله با ۲۴ لشکر تهاجمی روسی است که وظیفه بیسرویی بسوی خلیج فارس را بعهده دارند. نیروی ویژه امیرالیسم آمریکا اکنون مدت‌ها است که در بیابانهای گالیفرنیا و نوادا مشغول تمرین پیاده کردن نیرو در مناطق

نفت خیز ایران و سایر کشورهای منطقه و مقابله با ارتشهای روسی است.

برنامه تسلیحاتی وسیعی که ایجاد این نیروی ضربتی جزئی از آنست، یک بودجه ویژه ۵۲ میلیارد دلاری، ساختن تسلیحات مدرن و هواپیماهای غول پیکر ویژه حمل و نقل بین قاره‌ای و همچنین ایجاد پایگاههای متعددی در شرق و آفریقا، اقیانوس هند و سواحل خلیج فارس را در بر میگیرد. کلیه این اقدامات جنایتکارانه امیرالیسم آمریکا هنگامی صورت میگیرد که ابرقدرت امیرالیستی روسیه نیز با اشغال افغانستان و تمرکز نیرو در مرزهای پاکستان و ایران مقدمات تجاوزات بعدی و اشغال نظامی این کشورها را بمنظور رسیدن به خلیج فارس و دست یابی بر چاه‌های نفت، تدارک می‌بیند.

این واقیعات بخوبی نشان میدهند که دو ابرقدرت امیرالیستی آمریکا و روسیه در رقابت دیوانه وار خویش برای سلطه بر جهان، منطقه زرخیر و مهم خلیج فارس را به آستانه یک جنگ

حزب توده دشمن ...

بقیه از صفحه اول

شاه" شد، اما این شعار باز هم در محتوای خود انحرافی و سازشکارانه بود زیرا آنها می‌گفتند: "از بین رفتن حکومت مطلقه رژیم ترور و اختناق موجود، می‌تواند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواستهای مردم و حزب ماست، نباشد". (دنیسا - شماره ۵ - آبان ۵۲) و "هدف ما در این دوره مبارزه تنها پایان دادن به شیوه مطلقه حکومت و استقرار آزادی های است که به موجب قانون اساسی ایران مقرر گشته است. (همانجا).

روشن است که سازشکاران نوکر صفت کمیته مرکزی حزب توده تنها شیوه مطلقه حکومت شاه را هدف قرار می‌گرفتند نه خود او را. آنها می‌خواستند استبداد سلطنتی را از بین ببرند نه سلطنت را بطور کلی و حتی سلطنت شاه را.

به نبرد تاریخساز ...

بقیه از صفحه اول

دستور شلیک بروی تظاهرات نوجوانان حاصل کرد. خواستار خروج قوای روسی از کشورمان بودند. صادر کرده بود توسط مبارزین افغانی به مجازات جنایت خود رسیده و در خیابانهای کابل معدوم شد.

تمام اخبار رسیده از افغانستان گواه بر آنست که مردم رزمنده و خستگی ناپذیر افغانستان در شرایط سخت و نابرابر، جانانه از خاک میهن دفاع میکنند و استوارانه در برابر قوای ۱۰۰ هزار نفری روس که به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و ابزار جنگی مجهز است ایستادگی مینمایند. روس‌ها در افغانستان روی امریکای جنایتکار رادرویتنام سفید کرده‌اند و ماهیت سوسیال فاشیستی خود را بطرز کاملی بنمایش گذاشته‌اند. در چنین شرایط سخت و دشواری که انقلاب در افغانستان با آن روبروست توده‌های ستمدیده افغانستان که اکثراً مسلمان نیز هستند، انتظار داشتند تا کشورهای اسلامی و بخصوص جمهوری اسلامی ایران بیاری آنان بشتابند و در این نبرد تاریخساز این خلق قهرمان رایاری رسانند. لکن برخلاف انتظار آنسان

خانمان سوز کشانیده‌اند. جنگی که در خدمت منافع و برای حاکمیت این یا آن ابرقدرت جنایتکار صورت می‌گیرد و قربانیان آن مردم کشورهای منطقه می‌باشند.

این خطر جدی که اکنون با تمرکز نیروهای زرهی روسیه در مرزهای شمالی و شرقی ایران و ناوگانهای روسی در جنوب از بگسو و ایجاد نیروی ضربتی ویژه و استقرار ناوگان‌های آمریکائی در آبهای مجاور خلیج فارس و تقویت پایگاههای آمریکا در منطقه از سوی دیگر، برای ما قربانیان این رقابت کاملاً قابل لمس گشته است، بخوبی مبین این واقیعت است که دو ابرقدرت آمریکا و روسیه بزرگترین دشمنان استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ما و سایر کشورهای منطقه می‌باشند و برای مقابله با این خطر جدی راهی جز تحکیم وحدت درونی و متحد شدن با تمام خلقها و کشورهایی که مانند ما قربانی توسعه طلبی این یا آن ابرقدرت می‌باشند، وجود ندارد.

این جریان ناموافق را تبلیغاتی تشکیل میدهد که برخی از گروه‌ها بخاطر دعوای و قدرت طلبی های گروهی خود به برخی مسائل و شایعات در ارتباط با وجود عناصر وابسته با آمریکا در بین نهضت افغانستان دامن زده‌اند.

در این که امریکای جنایتکار تلاش میکند تا از فرصت استفاده نموده و بدورن جنبش انقلابی افغانستان رخنه کرده و اثر منحرف سازد شکی نیست. اما چرا باید نیروهایی که خود را طرفدار انقلاب افغانستان میدانند بجای تبلیغ و تکیه بر اصالت و رسالت این جنبش تاریخساز توده‌های خلق ستمدیده افغانستان، بر این مسائل تکیه نموده و وجود یکی دو گروهک منفرد وابسته با آمریکا را که در مقایسه با نهضت انقلابی افغانستان به‌دانه‌ای در برابر اقیانوس میمانند، تا این حد برجسته نمایند؟ آیا این تبلیغات جز زمینه سازی برای سوء استفاده سوسیال امیرالیسم شوروی و نوکران وطنی اش که میلیونها مبارز افغانی را "فقودال های وابسته به آمریکا" مینامند نتیجه دیگری دارد؟ کدامیک مشاهده میکنیم این تبلیغات زمینه ساز بهره برداری مزدوران روسیه در کشور ما فراهم ساخته و توده‌های مردم را نسبت به جنبش افغانستان مردم کرده است.

اخبار نیروهای سیاسی

توفان و انشعاب در سازمان چریکها و حزب دمکرات

"سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان" در مورد انشعاب در سازمان چریکهای فدائی ضمن حمله به ابورتونیسم رهبران فدائیی می‌گوید:

"رهبران گمان می‌برند که در قله "مارکسیسم - لنینیسم" بنیسته اند و در امور سیاسی بی‌بدل اند. ولی ایدئولوژی و سیاست آنها از "جبهه افراطی" ناراست افراطی در نوسان بود آنها خود را مارکسیست - لنینیست می‌پنداشتند ولی سازمان آنها حتی در ردیف نیروهای ملی نیز نمیتوانست جایی داشته باشد. هیچ مارکسیست - لنینیست واقعی را نمیتوان سراغ گرفت که شیفته آزادی و استقلال خویش نباشد. اما این "مارکسیست - لنینیست ها" امیرالیسم شوروی را "سوسیالیسم" می‌خوانند، همانسا امیرالیسمی که برای الحاق افغانستان به مستعمرات وسیع خود نیروی نظامی به این کشور گسیل می‌دارد و مبارزان و خلق افغانستان را از جوان و بیسر و خردسال از زن و مردیه گلوله مینهد. تا "سوسیالیسم" را به آنها بقبولانند و آنها را تحت نظام "سوسیالیستی" در آورد" (توفان شماره ۲۰۲)

توفان همچنین درباره انشعاب در حزب دمکرات می‌نویسد: "در کنار انشعاب در سازمان چریکها، انشعابی نیز در حزب دمکرات گردستان صورت گرفت که براساسی حیرت آوراست. حیرت آور از این جهت که هیچ سببی برای انشعاب نمی‌توان یافت و بسه یقین این انشعاب مانند سیاست حزب توده نیرنگی است که سرخ آنرا باید

دادن زمین و وام مسکن تا بتوانیم برای خود، سینه‌های بسازیم.
ضمناً ما اعلام می‌داریم که همچون قبل از رهبری امام خمینی و دولت منتخب مردم پشتیبانی می‌کنیم و ضمن درخواست حقوق حقه خود اگر احتمالاً افراد فرصت طلبی در بین مابقی مانده باشند طرد خواهیم کرد و تسلیم مقامات صلاحیت دار می‌کنیم.

به امید پیروزی
با تقدیم احترام ساکنین آپارتمان‌های مرتفع آبکوه
رونوشت به دفتر ریاست جمهوری
به روزنامه بامداد
به روزنامه خراسان
به روزنامه رنجبر

روزنامه‌های محترم جمهوری اسلامی - اطلاعات - کیهان
نامه اعتراضی حزب ما به جرایم، در مورد بیه
اصطلاح "کشف بمب در ساختمان مرکز حزب"

محترماً - در شماره روز چهارشنبه اول مرداد ماه آن روزنامه در ارتباط با اشغال مرکز حزب ما در خیابان مصدق، کوچه‌زرد، شماره ۷، مطلبی در مورد باصطلاح "کشف بمب آتشزای بسیار قوی آماده انفجار" در ساختمان مرکز حزب درج گردیده که مورد تکذیب و اعتراض شدید حزب ما قرار دارد. متضمنی است که طبق قانون مطبوعات توضیحات زیر را در اولین شماره آن جرایم درج نمائید.

ساختمان حزب ما در بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۳۱ تیر توسط گروه‌معیین سازمان یافته‌ای که ادعا می‌کردند توسط حجت‌الاسلام هادی غفاری رهبری میشوند به اشغال درآمد. ما علیرغم تمام حقوقی که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از ساختمان حزب خود در برابر عده‌ای که دارای هیچگونه اختیار و مسئولیت قانونی نبودند داشتیم، بمنظور احترام از تشدید جوتحریک و اغتشاش در برابر هجوم اشغال کنندگان از هرگونه درگیری خودداری کردیم.

همانطور که در اعلامیه قبلی خود تاکید نموده‌ایم: "... از ساعت اشغال دفتر حزب ما در تهران، هیچگونه مسئولیتی در قبال مسائلی که ممکن است بعداً به صورت پرونده‌سازی علیه حزب ما سرهم‌بندی شود را قبول ننموده و آنرا بی اساس اعلام می‌کنیم". اکنون ادعا میشود که در ساختمان تخلیه شده حزب "بمب آتشزای بسیار قوی آماده انفجار" باصطلاح کشف شده است. روشن است که این ادعای مسخره و توطئه‌آمیز را مردم هیچگاه باور نخواهند کرد. در ساختمانی که توسط عده‌ای به زور اشغال میگردد و از صاحبان اصلی آن تخلیه میشود، ادعای کشف هر چیزی توسط اشغال‌کنندگان امری سهل و آسان است. با توجه به این واقعیات بدیهی، ادعای مسخره "کشف بمب در ساختمان حزب ما" که در خبری بامتن واحد در روزنامه‌های صبح و عصر درج گردیده، نه تنها کذب محض، بلکه حتی اقدام در جهت توطئه‌ای علیه حزب ما است.

فعالیت‌های حزب ما در ساختمان واقع در خیابان مصدق، کوچه زمرسد، با اطلاع کلیه مقامات قانونی از جمله آیت‌الله مهدوی کنی، رئیس کمیته مرکزی انقلاب در تهران بوده‌است و کلیه فعالیت‌های مادر چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی صورت گرفته‌است. هرگونه واریس ساختمان حزب ما تنها در صورتی میتوانست معتبر باشد که با حضور نماینده دادستان و نمایندگان مسئولین حزب ما و در چارچوب ضوابط قانونی صورت میگرفت. متضمنی است، بر طبق قانون مطبوعات، توضیحات بالا را در روزنامه خود درج فرمائید.

اول مرداد ماه ۱۳۵۹، دبیرخانه حزب رنجبران ایران.

دیکتاتوری کمینه مرکزی حزب توده که در همین زمان عنوان میشود، نیز انحرافی بود علیه جهت اصلی مبارزه این شعار جهت مبارزه را از نابودی سلطنت وابسته به امپریالیسم به مبارزه علیه اختناق و دیکتاتوری منحرف می‌ساخت. "جبهه ضد دیکتاتوری" باند کیانوری در حزب توده در واقع نردبانی برای رخنه و قدرت یابی عوامل روسیه بود و در این راه آنها حتی خواهان وحدت با عوامل رژیم نیز بودند. آنها درباره کسانی که در باصطلاح جبهه واحد آنها شرکت دارند میگفتند: "آن عناصر دور بین تر هیات حاکمه که سمت گیری قانونمندانانه تحولات کنونی جهان و تغییر روزافزون تناسب نیروها را به سود سوسیالیسم و خلق‌ها و بزبان امپریالیسم و ارتجاع میبینند، ادامه حاکمیت رژیم دیکتاتوری کنونی را خطری جدی برای آینده سرمایه‌داری ایران میدانند." بدینوسیله جناحی از رژیم شاه‌رعد عوت به پیوستن به اردوی سوسیال امپریالیسم میگردند تا آینده‌شان را از خطر انقلاب حفظ کنند.

کیانوری مزدور در آن زمان چنین میگفت: "این جبهه نیروهای را که به هیچوجه نمیتوان آنها را دمکراتیک یا چپ دانست ولی باین وجود در سرگونی رژیم کنونی ذینفع هستند دربر میگردد..." (کیانوری - مجله مسایل بین‌المللی - شماره ۷۹) او در همانجا از همکاری با "بخشی از بورژوازی بزرگ ایران" و "بیدایش امکانات مساعد اتحاد با بخشی از نیروهای مسلح" صحبت میکرد. در واقع حزب توده خواهان وحدت با بخشی از رژیم شاه چون دارودسته هوشنگ نهاوندی، یک جناح حزب رستاخیز و بعضی از تیمسارهای کودتاجی شاه بود!

سازش با هیات حاکمه رژیم شاه چیزی بود که انقلاب اسلامی با قاطعیت آنرا رد نمود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با سرنگون ساختن سلطنت وابسته‌شاه به سلطنت‌خواهی این دارودسته مزدور نیز پایان داد، و آنها را بعنوان دشمنان انقلاب اسلامی رسوا ساخت. حال آنها دربی فرصت هستند تا هدف اصلی خود یعنی به انقیاد در آوردن میهن‌مان توسط سوسیال امپریالیسم را در لباس طرفداری منافقانه از جمهوری اسلامی دنبال کنند.

مادر آینده نشان خواهیم داد که چگونه این باند با اساس جمهوری اسلامی ایران در تضاد است.

گروه‌های ماروز افغانی غیراقتلای مصالح‌های اعلام کرده‌است که ما از دریافت کمک از طرف کشورهای اسلامی مایوس شده‌ایم. ناامیدی مبارزین افغانی در این زمینه بی‌پایه نیست زیرا گذشته از آنکه کارهای اساسی در این زمینه انجام نشده در عین حال جریان ناموافق نیز اخیراً در مورد انقلاب افغانستان برافزاده‌است.

نظم و قانون
بقیه از صفحه اول

زودتر به نظم انقلابی تبدیل نشود، بنا گزیر به نظم امپریالیستی فاشیستی تبدیل خواهد شد، یعنی اینکه دوا بر قدرت و اعمالشان بالاخره در فرصتی مناسب از اینهمه تفرقه در صفوف خلق و حاکمین استفاده می‌کنند و ضربه شکننده‌ای به انقلاب و جمهوری اسلامی وارد می‌آورند. آنوقت کسانی که هوس "فاشیست بازی" به سرشان زده خود نیز قربانی فاشیسم خواهند شد، فاشیسم حقیقی، مخوف، خونریز و مرگبار از نوع آمریکائی - شیلی، و یا روسی - افغانی آن.

مسأله حفظ نظم و قانون، یعنی دو کلامی که به کرات از زبان امام و رئیس جمهور جاری شده، مسأله کلیدی جامعه کنونی ما است، مردمک چشم انقلاب اسلامی ما است، مجلس، دولت، دستگاه قضائی، یعنی هر سه قوه مملکتی، همه نهادها بویژه کمیته‌ها و سپاه پاسداران باید نظم و قانون، نظم و قانونی که خواست ملت انقلابی ما است را همچون مردمک چشم عزیز بدارند، و گرنه تیر زهرآلود دشمن سرانجام بر این مردمک خواهد نشست و انقلاب ما را با شکست مواجه خواهد ساخت.

ملت ما در این نخستین روزهای نخستین مجلس شورای اسلامی و نخستین دولت دائمی جمهوری اسلامی این انتظار را بیش از هر انتظار دیگری از منتخبین و از مسئولین خود دارد. انتظار برقراری نظم انقلابی و استقرار حکومت قانون، انتظار اجرای دقیق قانون اساسی جمهوری اسلامی و حفاظت آن در برابر دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب.

حزب ما با این امید، همچنان به پشتیبانی خود از جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب و نهادهای آن ادامه

افغانستان پشتیبانی نموده و بآن یاری رساند. زیرا این امر مستقیماً به حفظ استقلال ایران مربوط است. برجسته‌ساختن اصالت این انقلاب و حماسه آفرینی‌های مردم مبارز علیه قوای روسی و کمک به آن بخصوص از طریق منفرد ساختن دیپلماتیک روسیه در سطح جهان از جمله مهمترین خواسته‌های مبارزین افغانی از انقلاب ایران است.

کشتار فجیع...
بقیه از صفحه اول

غرب بدستور اربابان خود بی‌امنیتی و بی‌قانونی و هرج و مرج را دامنه میزند تا توده مردم را مستاصل سازد و شرایط را برای انجام مقاصد پلید خود علیه حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم تر سازد. اما ملت قهرمان ایران، که در راه انقلاب هزاران شهید داده تا سرنوشت خویش را بدست گیرد، استوار و بی‌بگیر در مقابل همه توطئه‌های جنایتکارانه دشمنان استقلال و آزادی خواهد ایستاد و در مقابل فتنه‌گرهای دشمن کمر خم نخواهد کرد.

بدون تردید انقلاب علیرغم فعالیت سرسختانه همه دشمنان با تلاش‌های متحدانه مردم هم چنان به پیش خواهد رفت و آینده تابناکی را برای ملت سلحشور ایران بارمان خواهد آورد. همدردی خود را با خانواده‌هایی که عزیزانشان را در این جریان از دست داده‌اند اعلام می‌کنیم. برای درهم شکستن توطئه‌های عوامل شرق و غرب متحد شویم.

می‌دهد. هیچگونه تحریکات افراد و گروه‌های غیر مسئول قادر نخواهد بود ما را از مسیر اصلی مبارزه خود که همان مبارزه با امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و عمل آنها است، باز دارد. ما همچنان با حفظ کامل متانت و خونسردی انقلاب خود، در عین حال انقلابی با کمال قاطعیت و هوشیاری، در راه تحقق سه اصل خلق (استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی) و در راه تحقق اتحاد بزرگ ملی سه نیروی تاریخی جامعه‌مان (اسلام مبارز، ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی) به پیش خواهیم رفت.

توفان سیاست دوجانبه دمکراتها را آتش کرده و میگردد؛ حزب دمکرات کردستان پس از انقلاب، خود مختاری کردستان را مطرح کرد و خلق کرد را به خاطر آن در جنگ خونینی درگیر ساخت. اکنون بدون آنکه به هدف دست یافته باشد، اعلام آتش بس می‌کند... آنگاه رهبران خود را از مرکز بیرون می‌برند و این خلق است که باید تاوان سیاستهای غلط را بپردازد. بیچاره خلقی که به چنین "رهبرانی" امید می‌بندد و اعتماد می‌کند. (همانجا)

باز تاب تجاوز روسیه به افغانستان

نشریه آرمان ملت (شماره ۱۵) ارگان "حزب ملت ایران" پس از تشریح رسوائی بین‌المللی روسها در تجاوز به افغانستان، می‌نویسد: "از سوی دیگر تلاش نظامی روسها در افغانستان با کامیابی همراه نبود... مبارزان افغانی همه راه‌های تدارکاتی روسها را زیر ضربه گرفته‌اند، و در نبرد، طاقت و توانائی از خود نشان میدهند که روسها انتظار آن را نداشته‌اند. مردم شهرها هم خشم خود را نشان میدهند و جنگاوران مسلح تا حاشیه شهرها پیش می‌آیند و ضربه می‌زنند و برمیگردند... روسها بیه هنگام حمله به افغانستان تصور چنین جنگی را نمی‌کردند و واحدهای رزمی سنگین خود را برای نوعی نمایش قدرت وارد افغانستان کردند و اینک می‌بینید که از واحدها در جریان نبرد کاری ساخته نیست، آنها را به روسیه باز میگردانند و به جای آنها واحدهای دیگری که برای جنگ چریکی مناسب باشند به افغانستان می‌آورند. "آرمان ملت" در آخر نتیجه می‌گیرد: "روسها آنچه را در چکسلواکی برده بودند در افغانستان باختند، روسها از آن هراس دارند که پایداری مردم افغانستان نمونه‌ای برای مردم کشورهای اروپای شرقی میشود... افغانستان و چکسلواکی در همه زمینه‌ها از هم متفاوتند و به راستی تابستان پراگ و زمستان کابل تفاوت بسیار دارند اما احتمال فراوان می‌رود که نسیسم زمستانیهای کابل، آرایش تابستانیهای پراگ را برهم‌زنند."

اخراج کارگران به بهانه های گوناگون ادامه دارد

اداره کار، دادگاه انقلاب، سپاه پاسداران و استانداری مراجعه میکنند، ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

ضمن صحبتی که یکی از این کارگران با خبرنگار رنجبر انجام داد گفته شد: "پس از شروع انقلاب شرکت جکس تعطیل شد و صاحبان آن فرار کردند. یکی از مهندسين از اوضاع هرج و مرج سوءاستفاده نمود و تعدادی کمپرسی، لودر و لندرو را فروخت. در همان موقع، یعنی نوروز ۵۹ کارگران اعتراض کرده و بسمت اداره کار و استانداری راهپیمایی نمودند و استاندار هم قول داد که ظرف سه روز وسایل فروخته شده را برگرداند، ولی این وعده در حد حرف باقی ماند و این مهندس نیز با تقاضای استخدام ما مخالفت می‌کند."

اخراج پس از ۱۱ سال سابقه کار

"حاجی زارعی" کارگر زحمتکشی است که همچون هزاران هزارکارگر دیگر، بدست کارفرما اخراج شده است. او می‌گوید: "مدت ۱۱ سال از کار در شرکت "جانل" بدون دفتر چه بیمه و بطور شبانه روزی کار کرده‌ام و با ماهی ۵۰۰ تومان شروع کردم و آخرین حقوق من ۲ هزار تومان بود." "حاجی زارعی" در ادامه صحبت‌هایش با "رنجبر" گفت: "پس از آنکه چند روز به مرخصی رفتم و باز گشتم، مدت نزدیک به ۳ ماه مرا به‌این بهانه که فعلا کار نداریم، سرگردان کردند و بعد از گذشت این مدت کارفرما می‌گوید که اصلا کار نداریم. من ۱۰ سرعائله دارم و سن من هم ۵۳ سال است، تکلیف من چیست؟"

اخراج «گل خانم» زن زحمتکشی که خرج ۷ نفر را می‌دهد

"گل خانم دهقان" زن زحمتکشی که یار اداره یک خانواده ۷ نفری بر دوشش است، از کارخانه "پارچه بافی شیراز"، اخراج شد. گل خانم، در مدت ۲ ماه و نیم از ساعت ۶ صبح تا ۲ بعد ازظهر و سپس چهار ساعت هم اضافه کاری کرده است، ولی با اینهمه ساعات کار طولانی، از روزی ۴۰۰ ریال تا ۶۳۵ ریال گرفته است. گل خانم در گفتگویی با خبرنگار رنجبر در حالیکه بشدت متاثر بود، از اینهمه بسی عدالتی و ظلم شکایت میکرد. گل خانم به اداره کار شکایت کرده است تا او را کارگر رسمی با حقوق و مزایا بحساب بیاورند.

اخراج به جرم حق طلبی

بیش از یکماه است که کارفرما، آقایان "راشد نژاد" و "حضار" را اخراج کرده است و آنها هرچه میدوند، بجایی نمیرسند. یکی از این دو کارگر به خبرنگار رنجبر گفت: کارفرمای شرکت "چناد" که پروژه ساختمان کارخانه سیمان را برعهده دارد، در تاریخ ۲۰ اردیبهشت چند روز کارگاه را تعطیل کرد. وقتی تعطیل کارگاه بیش آمد، ما بفکر تامین شغلی خود افتادیم وخواستار مزایای کارگران رسمی شدیم، ولی کارفرما، ما را اخراج کرد. تاکنون دوبار است که کارفرما به اداره کار دعوت شده، ولی او دراین اداره حاضر نمی‌شود.

کارگران جنرال مکانیک در برابر اخراج ایستادگی می‌کنند

صاحب شرکت جنرال مکانیک (کاسیلاس)، از چهار ماه قبل تاکنون، بتدریج ۱۶۰ کارگر را اخراج میکند و حدود ۲ ماه هم حقوق کارگران را قطع

اداره کار شیراز مراجعه کردند، ولی کارشناس اداره کار می‌گوید: "تا مدیر کل اجازه ندهد به خارج از شیراز نمیرویم."

کارفرما، حقوق کارگران را نمی‌دهد

کارگران "کوره حسینی" واقع در نزدیکی ده پباله از عقب افتادن حقوق خود و بی توجهی کارفرما نسبت به خواسته‌هایشان، به اداره کار شیراز شکایت کرده‌اند.

اسدالله قصابی، احمد پیشهور، علی بابابلاغی، حسن بلاغی و حسین بلاغی به نمایندگی از جانب ۳۰ دستگاه قالبدار این کوره، اعلام داشتند که کارفرما مدت ۴ هفته است که حقوق آنان را به تعویق انداخته است. این زحمتکشان که به‌مراه خانواده خود از پیر و جوان، کوچک و بزرگ، از ساعت ۱ بامداد تا ۹ صبح و سپس از ۵ بعد از ظهر الی ده‌شب بطور جمعی کار میکنند، بسختی در مضیقه قرار دارند. کارفرما بر خلاف قرارداد خود، نفت، آب، یخ روز جمعه، روغن، ناید و... کارگران را تامین نمیکند و می‌خواهد ۷٪ هم از حقوق آنان بعنوان بیمه کسر نماید.

امروز، دور دور کارفرماها است

"ذبیح‌الله ویسی" کارگر فنی و مبتکر کارخانه روغن نباتی شیراز را بعد از ۱۶ سال کار، اخراج کرده‌اند. این کارگر که تاکنون چند دستگاه فنی ابداع کرده است در گفتگویی با خبرنگار رنجبر گفت: "حدود ۹ ماه است که بعد از تجدید استخدام، از کار بیگار شدم، در این مدت هر چه داشتم خرج شده و به هرکجا سر زدم از کار خبری نیست. من حاضریم یا نصف حقوق اصلی، مشغول بکار شوم. در همین کارخانه یک دستگاه "نیتروژن" که ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان هزینه سوار کردن داشت، ما با روزی ۶۰ تومان آن را سوار کردیم."

ذبیح‌الله ویسی در پایان گفت: "در این کارخانه، هرکارگری که بخواهد ابتکاری بزند، مانع او میشوند، ما ابتکارآتمان را زدیم و حالا گرسنه‌ایم، امروز دور، دور کارفرماها است."

نماینده خان از کارگران پنیر و کره طلب می‌کند

چند تن از کارگرانی که بر روی زمین های "مقبل السلطان" واقع در فتح آباد (کوار) سالهای سال کار کرده‌اند، از دست نماینده این فئودال و زورگویی‌های او به تنگ آمده و در نامه‌ای که به رنجبر نوشته‌اند، خواهان رسیدگی به ظلم و ستمی که بر آنان روا میشود، شده‌اند. در زیر بخش‌هایی از نامه این کارگران را میخوانید:

ما کارگران تا آنجایی که باید اطلاع به مقامات مسئول بدهیم، به روزنامه رنجبر فرستادیم اما مسئولین خود میدانند."

ما چند نفر از کارگران زمین کشاورزی غلامرضا حکیمی (مقبل السلطان) که مدت هشت سال است که در زمین ایشان کار کرده و زحمت زیاد کشیده‌ایم و از هر حقی محروم بوده‌ایم. اکنون مدت ۶ ماه است که نماینده جدید مالک (نام این نماینده منوچهر خان هنرور است) آمده است و هر روز بهانه‌های بیخود به ما کارگران می‌گیرد و رشوه و چیزهای مثل پنیر و کره می‌خواهد."

کارگران مزبور در ادامه نامه خود ضمن برشمردن توهین و اهانت های نماینده خان نسبت به رژیم کنونی، می‌نویسند: "این مرد پلیس کارگران زمین کشاورزی را برای صدمه زدن به انقلاب، از کار باز میدارد. از مقامات مسئول میخواهیم که به وضع زمین های کشاورزی مالک "فتح

اخراج و بیکاری کارگران ادامه دارد. کارفرمایان به بهانه‌های مختلف کارگران را براحتی و بطور کامل "قانونی" اخراج می‌کنند و کارگران نیز پس از مراجعات مکرر به ادارات کار نتیجه‌ای عایدشان نمی‌گردد.

در این شماره "رنجبر"، مواردی چند از دهها مورد مشخص اخراج، عدم پرداخت حقوق ناچیز کارگران، عدم استخدام مجدد و... را که در شیراز جمع شده است، بجا می‌رسانیم. ناگفته نماند که کارگران در مقابل احقاقیات گوناگون و مزورانه کارفرمایان و همدستی ادارات کار، بیگار نمی‌نشینند و اعتراضات و مبارزات آنان اینجا و آنجا کارگران را به مبارزه متشکل و یکپارچه بر علیه این مظالم بر می‌انگیزد.

اخراج به اتهام سرقت

حسن علی مسرور، کارگر زحمتکش مجتمع گوشت فارس، که در سال ۵۵ با اتهام سرقت پشم اخراج شده است، علیرغم شکایات فراوان به اداره کار مرودشت، اداره کار تهران، دفتر امام، کمیته شیراز و اداره کار شیراز... همچنان در بلا تکلیفی بسر میبرد.

این کارگر در نامه‌ای به اداره کار شیراز می‌نویسد: "اینجانب حسن علی مسرور کارگر سابق مجتمع گوشت فارس که در سال ۱۳۵۵ به تهمت سرقت پشم... (بستن پشم به کمر) اخراج شده بودم، استدعا دارم در موضوع این تهمت خوب تحقیقات بنمائید... چرا این تهمت ناروا را به من می‌زنید؟" آقای مسرور برای خبرنگار رنجبر درد دلی می‌کند که: "۹ نفر نان خور دارم، نه زمین زراعتی و نه کار دیگری دارم، این ها را چکار کنم؟" عبدالحسین فرزند ۱۲ ساله این کارگر می‌گوید: "پدرم چون مریض بود به او تهمت زدند و او را اخراج کردند."

اخراج ۱۰ کارگر شرکت «موبیلار»

خبر نگار رنجبر با چند تن از کارگران اخراجی شرکت ساختمانی "موبیلار" که پروژه ساختمانی بیمارستانی را در شیراز بعهده دارد، به گفتگو نشست. کارگران اخراجی می‌گویند:

ما ۱۰ نفر از کارگران شرکت موبیلار هستیم که تا چهار سال هم سابقه کار داریم. اخیرا کارفرما باین بهانه که "پولی برای خریدن مصالح نداریم"، ما را اخراج کرده است. ده روز قبل از عید حقوقمان را پرداخت نکردند تا اینکه در آخر خرداد ماه بکمک اداره کار این پول را گرفتیم و از یازده تیر ماه به ما گفتند شما از امروز بعلت بی پولی شرکت برای خریدن مصالح، اخراج هستید. کارفرما حتی از پرداخت "حق و حقوق" قانون کار طاغوتی هم سر باز زده است.

اخراج بعلت کهولت سن

باباجان وفايي، کارگر زحمتکشی که ۱۲ سال از بهترین سالهای عمرش را در سنگ بری و موزائیک سازی شیراز گذرانده است، به جرم کهولت سن اخراج شد.

این کارگر در مورد اخراج خود به خبرنگار "رنجبر" گفت: "کارفرما می‌خواهد بجای من کارگر افغانی استخدام کند و به این خاطر بهانه جویی کرده و بمن گفته است که دیگر سرکار نیایم. کارفرما تهدید کرد که اگر به اداره کار شکایت کنم، با اقوامی که در آنجا دارد، حق مرا پایمال خواهد نمود."

اخراج ۱۵ کارگر «نمک بلور جهرم»

در اوائل ماه تیر، کارفرمای شرکت "نمک بلور جهرم" ۱۵ نفر از

اخراج نمود. کارفرما این کارگران را (۲ نفر بنا و بقیه کارگر) انگیزه کار دائمی با مزایا و بیمه فریب داده و آنها را وادار کرده است تا با مزد کم بر روی ساختمان این کارخانه کار کنند و بعد از اتمام کار ضمن اخراج آنان گفته است که می‌خواهد از جهرم کارگر استخدام نماید. کارگران اخراجی که از دغل کاری این کارفرما بخشم آمده بودند به

دهقانان روستای «کوه پس» (سیاهکل) به «رنجبر» نامه می‌نویسند:

وسایل کشاورزی، آب لوله کشی، حمام در مانگه و مدرسه راهنمایی بدهید

یکی از خوانندگان «رنجبر»، ساکن سیاهکل، طی نامهای وضع جغرافیایی و اقتصادی روستای «کوه پس» از توابع بخش سیاهکل و مشکلات این روستا و خواسته‌های ساکنان آن را برای مانوخته است که ما عینا اقدام به چاپ آن می‌کنیم و از مقامات مسئول دولت می‌خواهیم که هر چه سریعتر در رفع احتیاجات روستائیان زحمتکش و محروم این منطقه اقدامات لازم را انجام دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم
مقاله‌ای درباره وضعیت اقتصادی و جغرافیایی روستای کوه پس وضع جغرافیایی:

کوه پس یکی از روستاهای بخش سیاهکل است که از شمال به سیاهکل، از جنوب به خرم‌رود، از مغرب به دیلمان و اسپیلی و از مشرق به روستای نیاولی- دیارجان و میکل ختم میگردد.

درفصل‌های یائیز و زمستان، زندگی در این روستاها به سختی قابل تحمل است، چون اگر درجه آب و هوای این روستاها را با مناطق دیگر شمال مقایسه کنیم، از لحاظ کوهستانی بودنش درجه آب و هوای این روستا حداکثر به ۵ درجه میرسد.

بر اثر برفها و طوفانهای پشت سرهمی که در این فصل‌ها دیده میشود مردم این روستا در مضیقه به سر می‌برند. در فصل‌های بهار و تابستان آب و هوای این منطقه معتدل است.

وضعیت اقتصادی:

وضعیت اقتصادی از زمان قبل تا بحال رابرسی و به تحلیل در میاوریم که چه تغییری در این روستا پدید آمده و مردم در چه وضعی زندگی کرده‌اند و می‌کنند.

در زمانیکه فتوئدالها بر این منطقه حاکم بودند و روستائیان را به شدیدترین وضعی که قابل گفتن نیست استثمار میکردند روستائیان نه

تنها از زمینهای زراعتی محروم بودند بلکه روز و شب زیر دستار بابان مزدور به کار کشیده میشدند.

وقتی نخست وزیر امینی یکی از مهره‌های امریکایی مبارزه خود را (بقول خودش) با فتوئدالها دنبال کرد و سیاست ظاهری خود را نسبت به آنها نشان داد، فقط میخواست روستائیان را از طریق دیگر به استثمار جدید بکشاند. چون برای همه روستائیان ماروئن شده بود که فقط فتوئدالها تعویض شده بودند.

نتیجه "مبارزه" این رژیم با فتوئدالها این بود که تمام روستائیان رابه طرف شهرها سرازیر گشتند. یعنی بکلی تولید کشاورزی و صنایع دستی رابعقب کشیده و بجایش صنایع مونتاژ راپدید آورد و بقول خودشان میخواستند کشور ایران رابه "برصنعتی‌ترین" کشورهای جهان سوم تبدیل کنند...

فقر و بدبختی به حدی رسید که روستائیان نتوانستند فرزندان شان رابه مدرسه بفرستند، در حال حاضر مینوانید به این روستاها گزرت کنید که چقدر بیسواد وجود دارد....

اکنون محصولات روستائیان که در این روستا تولید میشوند عبارتند از گندم جو، لوبیا، سیب‌زمینی، عدس و غیره.

کشت و کار و فعالیت: طرز کشت و برداشت این محصولات به قرار زیر است:

اول بهار زمین را با گاو آهن یا تراکتور شخم میزنند و اوایل یائیز به کشت گندم و جو مشغول میشوند. در فصل تابستان درو میکنند و لوبیا و عدس و سیب زمینی را در فصل بهار میکارند. و در حین کشاورزی به دام داری هم مشغول میباشند. در فصل یائیز و زمستان، زنها به بافتن جورابهای زمستانی و پیراهن های پشمی مشغول میشوند و مایحتاج

۲۰ کارگر شرکت چکش سرگردانند

۲۰ کارگر شرکت "چکش" که هر کدام بیش از ۵ سال سابقه کار دارند، مدت دو ماه است که برای استخدام مجدد در این شرکت به

نامه کشاورزان شمال

آیا ما انقلاب کردیم که از دست

ابر قدرت آمریکاها شویم به دست ابر قدرت روسیه سپرده شویم؟

سلام، کشاورزان شمالی باشما سخن می‌گویند.

در دهاتی که زندگی می‌کنیم با مشکلات فراوانی روبرو هستیم ولی ایرادی نداره. اگر انقلاب ما پیروز بشه، همه این مسایل حل می‌شه.

دهات ما بشهر نزدیک نیست تا از اوضاع واحوال مملکت باخبر باشیم. ولی یکی از دوستان ما در شهر زندگی می‌کند و از آنجا که به ما لطف دارد، روزنامه‌ها را جمع آوری می‌کند، و هفته‌ای یکبار تمام آنها را بما می‌رسانند. ومن هم بوسیله چند نفر از دوستان، بعد از خواندن روزنامه راجع اوضاع و احوال مملکت با هم بحث می‌کنیم.

مساله‌ای که ما را خیلی ناراحت کرده، بیاد دادن مملکت و پایمال کردن خون شهیدان بوسیله یک عده افراد وابسته به شرق و غرب است.

در حالی که حدود ۱۶ ماه از انقلاب اسلامی می‌گذرد و بارها امام امت و رئیس جمهور مساله ابر قدرتها را مطرح کرده‌اند، متأسفانه باز یک عده فقط غرب را دشمن اصلی می‌دانند. غافل از آنکه شرق هم دشمن اصلی ماست می‌گویند نه؟ ما دهاتی‌ها برای شما ثابت می‌کنیم که این شرقی‌ها خطرناک تر از غرب هستند.

این شرقی‌ها که امروز آمده‌اند دم از طبقه کارگر می‌زنند ما از آنها سؤال می‌کنیم چرا هنوز نتوانستاید فساد را از مملکت‌تان دور کنید؟ شما هنوز نتوانستاید آرزوی کارگران‌تان را تأمین کنید. در حال حاضر هم به تمام آنها دارید ظلم می‌کنید و همین ظلم را هم می‌خواهید در مملکت ما پیاده کنید.

چند نمونه از آن را مثال

می‌زنم. آقایان مسئولین مملکت هم توجه داشته باشند. نظری به اداره جات بیاندازید، این توطئه‌گران شرق رفته‌اند سکوها را اشغال کرده‌اند. آیا ما انقلاب کردیم که از دست ابر قدرت آمریکا رها شویم به دست ابر قدرت روسیه سپرده شویم؟ پس اگر این چنین بود چرا گذاشتیم حدود دویست هزار شهید بدهیم؟ ولی اگر واقعیت این نیست که ما ایرانی‌ها هم معتقدیم که نیست پس چرا وقتی با چشمهای خودمان می‌بینیم که این ابر قدرت شرق به وسیله جاسوسان خود طرح توطئه پیاده می‌کند، فقط جاسوسی که مدارک در دستش بوده او را اخراج می‌کنیم؟ باید به نظر ما کشاورزان طرح این توطئه افشاگری می‌شد تا مردم ستم‌دیده ایران بیشتر به خیانت شرق بی‌می‌بردند.

من دهاتی از شما مسئولین سؤال می‌کنم اگر طرح این توطئه می‌گرفت، آیا انقلاب ما به باد نمی‌رفته؟ آیا خون جوانان ما پایمال نمی‌شد؟ مساله پاکسازی به پیش آمده است آیا بهتر نیست با هم ساواکی‌ها جاسوسان شرق و غرب را هم پاکسازی کنیم؟ و آنها را ریشه کن کنیم و بیشتر کوسا باشیم برای استقلال و آزادی مملکت و معتقد شویم برای مبارزه با ابر قدرتهای شرق و غرب.

در خانه چون خط مشی رنجبر نه شرقی نه غربی است از همین دهات شمال فریاد می‌زنیم که قریون هرچی نه شرقی نه غربی. مرگ بر ابر قدرتهای شرق و غرب.

درود به رهبر انقلاب

از طرف عده‌ای از دهاتیهای شمال

یکی از کارگران شرکت مزبور به "رنجبر" گفته است که کارگران در برابر این حکم غیر عادلانه و ضد کارگری ایستادگی کرده‌اند.

دهقانان زحمتکش روستای

«کبوتردان» - بابل

چرا جهاد سازندگی به ما کمک نمی‌کند

"موسی"، یکی از دهقانان زحمتکش روستای "کبوتردان" است. او فقط یک پنجم هکتار زمین دارد. او امسال این مقدار زمین کم را برنج کاشت. ولی بعلت کمبود آب و نیامدن باران، زمین روبه خشکی گذاشت و رفته‌رفته کلیه محصول سوخت و تمام زمین چاک برداشت.

دلایل کمبود آب، نیامدن باران است. به وسیله موتور آب نیز نمیشود زیاد از جاه آب بیرون کشید، چون تعداد زیادی جاه به جاههای قبلی اضافه شده است. تازه این موتور آب هم آنقدر گران و کمیاب است که این دهقانان به هیچ وجه نمیتوانند از عهده خرید آن بربند.

بعد از خشک شدن زمین، "موسی" به جهاد سازندگی مراجعه کرده‌وز دست "علی" (یکی از دهقانان که در همسایگی او زمین دارد) شکایت کرده که "علی" آب دارد و بهمن نمیدهد و من زمینم خشک شده است.

افراد جهاد وقتی به سرزمین "علی" آمدند دیدند که "علی" هم زمینی مانند زمین "موسی" سوخته و هیچگونه آبی ندارد!

علی و موسی میگویند: "ما که پول برای زدن جاه نداریم، چرا جهاد سازندگی به ما در این زمینه کمک نمیکند ولی در عوض، زمین ارباب را می‌کارد و موقع تقسیم محصول نیز به ما چیزی نمیرسد؟"

در حال، این دهقانان از دولت انتظار دارند که برای جلوگیری از خشک شدن و سوختن محصولات آنها فکری بکند.

نامه‌ها و ادار سابق سازمان جریکها

بایدی رفتن خطامشی حزب رنجبران ایران، مبارزه را در درجه اول زندگی خود قرار دادم

توجه شد، بطور خواستند تمام انحرافات را بگردن تشکیلات درست بیندازند که به اصطلاح ما نیز جزئی از تشکیلات بودیم. کم کم متوجه انحرافات عظیم سازمان شدم انحرافات که بالاخره این جریان را به بازوی مسلح نظامی سوسیال - امپریالیسم تبدیل کرد. پس اینجا بود که به ضرورت تفی این جریان رسیدم. سازمان را نفی کردم چون میدیدم که بطور به منافع خلق پشت بازو و رفت بسوی حزب تسوده خائن و حالا نیز بر سر نوگری شوروی با یکدیگر سردعوا دارند.

اما این سازمان نفی شد پس چه چیزی را باید جایگزین آن کرد؟ خوب وقتی واقعیتها را ببینیم و اونها را پایه و اساس حرکت خود بدانیم خواه نا خواه راه درست را انتخاب کرده ایم و برطبق این اصل ماتریالیستی که از بین این جریانها و سازمانهای چپ بالاخره یک جریان درست نیز وجود دارد جریانی که بر مبنای واقعیتها حرکت می کند باعث شد که اون موضع بیطرفی، نامیدی و دلسردی بر من غالب نشود.

هرچند مدت کوتاهی با این عوامل کلنجار رفتم اما خوب بازهم به کمک رفیقان و همچنین ایمان به تودهها (چون معتقد بودم باید در راه خلق قدم گذاشت) . به من کمک زیادی کردند که با خود مبارزه کنم، با عوامل عاطفی که باعث وابستگی من به این جریان نهایتاً اشتباه شده بود مبارزه کنم و اینرا بالاخره درک کنم که باید در راه منافع خلق از حس خودخواهی و غرور قهرمان

خوب باید سعی کنم صادقانه تمام چیزها و وقایع را بگویم همانطور که رفقای صادق بامن و رفقای دیگر برخورد کردند. من هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق بودم، اگر چگونگی پیوستن به این سازمان را بررسی کنیم نتایج زیادی می گیریم که مثلاً بطور از روی احساسات و عواطف به این جریان روی آوردم و باید بگویم که درست انموقع چون این سازمان خیلی محبوب شده بود توانست هواداران جوان و احساساتی از قبیل من را گرد خود جمع کند هواداران که اینستا فکر میکردند فقط یک جریان کمونیستی در ایران وجود دارد و آنهم سازمان است.

خلاصه ۱۵ ماه بصورت هواداری بودم که صادقانه میخواستم به خلقم و به میهنم خدمت کنم و در این راه واقعا هرکاری که از دستم برمی آمد حاضر بودم انجام دهم! اما در این مدت زمان برخوردهای تشکیلاتی نادرست اشتباهات زیاد مرا کم دلسرد میکرد بگذریم از اینکه کل سازمان جریانش اشتباه بود در نتیجه از تشکیلات اینجا (بجنورد) نباید بیش از این انتظار داشت.

در این مدت حتی یک کتاب اصیل مارکسیستی بدستم نگرفتمه بودم چون به من تلقین شده بود باید اول کتابهای ابتدائی را بخوانم اما همانجا ترمز کرده بودم و هیچ وقت جلو نیفتمدم. کم کم در اثر برخورد با وقایع در اثر برخورد با سازمانهای دیگر

روستاها بطرف گردد و تاکنون در اکثر دهات این نواحی که شورای همیاری بوجود آمده (البته روستاهای نزدیک بروجن) حمام، مدرسه، مسجد، لوله کشی آب و... ایجاد گردیده است.

از جمله اقداماتی که برای سروسامان دادن به امور تولیدی صورت گرفته است، ایجاد مرکزی بنام مرکز گسترش خدمات تولیدی است. این مرکز تاکنون مبادرت به ایجاد ۴۹ شرکت تعاونی از بیگاران، دیپلمه های بیکار نموده که ۱۷ تای آن شرکتهای تعاونی کشاورزی و دامداری و ۳۲ شرکت دیگر، تعاونی ساختمانی لوله کشی، تعمیر ماشین آلات کشاورزی توزیع مواد غذایی توزیع آهن آلات و کارخانه ریسندهی و... میباشد. از زمان ایجاد این شرکتهای تا کنون ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر جذب آنان شده اند.

از زمان راه اندازی و پیشرفت این شرکتهای تعاونی تاکنون با مشکلات زیادی روبرو بوده اند که اساساً از عدم وجود برنامه و سیاست درست و سنجیده در مورد اهداف و چگونگی تشکیل این شرکتهای است. کاغذ بازی و سرگردان کردن مردم در ادارات شهر کرد و بروجن لطفاً فراوانی را بر مردم وارد میسازد و یک مورد آن تغییرات روزمره ای است که در مورد این شرکتهای داده میشود. از ابتدای قرار بود که بیگاران در این شرکتهای بکار مشغول شوند ولی پس از مدتی دستور رسید که باید حداقل دوتاسه دیپلمه بیکار در هر یک از شرکتهای مشغول شوند.

پس از یکی دو ماه که شرکتهای دوباره به ثبت رسید دستوری آمد مبنی بر اینکه در هر شرکت باید حداقل ۶۰٪ آن دیپلمه بیکار باشد. اینجابود که کاسه صبر و طاقت مردم لبریز شد و حتی میخواستند که مراکز دولتی را اشغال کنند که بعد از گفتگو با مقامات مسئول

چهار محال و بختیاری دهقانان و عشایر محروم این استان را در یابید

چون در زمانهای قدیم در کوههای اطراف این روستا بلنگ زیاد بود، این روستا را به این اسم نامگذاری کردند، اما مردم بعد از انقلاب نام روستا را به "اسلام آباد" تغییر دادند. این ده حدود ۲۵۰ نفر جمعیت دارد که از راه کشاورزی، زندگی خود را میگذرانند، البته کشاورزی که چه عرض کنم. حدود یازده سال پیش "اصلاحات ارضی" زمینهای بی آب و موات را در اختیار روستائیان قرار داد و اهالی نیز همه ساله بدون آب، گندم و جو و گاو دانه میکارند و به امید آب باران می نشینند. اگر باران یارید در اینصورت محصولی برداشت میکنند اگر باران نیارید که هیچ. بعد از برداشت محصول،

مقدار زیادی از کشت آنان را آب فرا گرفت و از بین برد. با اینکه اهالی روستای "گرگ سفلی" چند بار به استانداری تذکر داده بودند که کشت آنها در معرض سیل قرار دارد ولی کسی گوش بدهکار نبود و سیل تمام کشت این روستا را زیرورو کرد.

اگر مریض شویم یا خود بخود خوب میشویم و یا میمیریم

بسیاری از روستائیان بخش اردل و لردجان تا بحال روی یک دکتر را ندیده اند و وقتی از آنها سؤال میشود که هنگام مریضی چه

استان چهار محال و بختیاری که در جنوب غربی استان اصفهان واقع شده منطقه ای سردسیر و کوهستانی است که ۶ الی ۷ ماه از سال را در زیر برف و باران و سرمای شدید میگذرانند. این استان با اینکه از لحاظ امکانات طبیعی، منطقه ای غنی بحساب میآید ولیکن بعلت خیا نتها و جنایات رژیم منفور گذشته همچون دیگر مناطق کشور ما از کلیه امکانات، محروم مانده است. استان چهار محال و بختیاری شامل دو شهرستان بنامهای "شهر کرد" و "بروجن" است که "شهر کرد" مرکز این استان در ۱۰۲ کیلو متری اصفهان واقع شده است، شهرستان "بروجن" که دارای سه بخش "گندمان"، "لردجان" و "اردل" میباشد، در ۶۰ کیلومتری "شهرضا" قرار دارد و حدود ۵۰۰ روستا را شامل میشود.

دامداری

فعالیت عمده مردم

مردم این مناطق اکثراً از راه دامداری و زراعت زندگی خود را میگذرانند. بعضی از اهالی (تعداد این افراد زیاد نیست) که گوسفند و دام بیشتری دارند، همه ساله چندین ماه از سال یعنی فصل زمستان را بعلت سرمای شدید و نبودن چراگاه، به مناطق گرمسیر از جمله خوزستان کوچ میکنند و در اوائل بهار با دامهای خود باز میگردند.

اکثر روستائیان که تعداد خیلی کمی دام دارند، همچنان با فقر کشنده و سرمای سخت، دست و پنجه نرم میکنند و برای کارگری بسوی شهرها روانه میگردند.

محر و میت

از امکانات ابتدائی

نه آب داریم، نه برق، نه حمام، نه مدرسه، نه دوا و دکتر
و نه راه! خلاصه، هیچ چیز نداریم
چرا تاکنون اقدامی در جهت تقسیم و واگذاری زمین به روستائیان صورت نگرفته است؟

باید مقداری از آنرا به مالک ده بدهند. مالک این روستا که "ابوالحسن جمشیدی" نام دارد از ثروتمندان و پولداران گردن گلفتی است که در زمان اصلاحات ارضی طاغوت، پارتی بازی کرد و زمینهای را که بازور از مردم گرفته بود بین برادرانش به دروغ تقسیم کرد تا از "اصلاحات ارضی" معاف شود. در اینجا سه آبادی بنامهای اسلام آباد،

میکنید، در جواب میگویند: "یا خود بخود خوب میشویم و یا میمیریم". چرا که آنها نه تنها امکانات مالی جهت مداوای بیماران خود را ندارند بلکه اگر هم بتوانند این امکانات را فراهم کنند، بعلت خرابی جاده در فصل زمستان نمیتوانند خود را به شهر برسانند. مثلاً همین سه ماه پیش بود که زن حامله ای را که نمیتوانست بطور طبیعی زایمان کند،

ابتدائی ترین امکانات زندگی نظیر آب آشامیدنی بهداشتی، محروم هستند. در اغلب روستاهای بخش های "اردل" و "لردجان"، مردم آب آشامیدنی ندارند و از آب جویبار ها که در آن لباسها و ظرفهای خود را میشویند، برای خوردن استفاده میکنند. از برق و حمام و مدرسه و دوا و دکتر هم که اصلا خبری نیست. تازه در روستاهایی که حمام قدیمی و یا احتمالا آبی وجود دارد، مردم با مشکلات زیادی در زمینه بهداشت آن روبرو هستند.

دراکثر روستاهای بخشهای اردل و لردجان، فاضلاب خانهها و حمام روستا، از وسط آبادی میگذرد و مجرانی برای خروج این کثافات نیست تا این منبع بیماری را از محل سکونت اهالی دور کند و همین امر باعث بوجود آمدن گندابها و لجن زارهای زیادی در دهات شده که سر چشمه انواع بیماری و محل زندگی حشرات خطرناک است. بعنوان مثال در وسط آبادی "سفید دشت" و "قراد بنه" (نزدیک بروجن) گنداب هایی وجود دارند که از بوی لجن و کثافت، بسختی میتوان از کنارشان عبور کرد و بالاخره امسال دفتر عمران امام در بروجن اقدام به ساختن کانالی کرده است که به دور کردن فاضل آب از این محلها کمک مینماید.

این تازه وضع روستاهای نزدیک "بروجن" است که از "امکانات" بیشتری از قبیل جاده، برق و... برخوردارند، ولی روستاهایی در این استان وجود دارند که بعلت خرابی جاده و یا نبودن راه در تمامی فصل زمستان ارتباطشان با شهر قطع میگردد و حتی با مال (چهار پا) هم نمیتوانند برای رفع احتیاجات ضروری خود به شهر بیایند.

سیل، بی توجهی مسئولین و خانه خرابی روستائیان

اغلب در زمستان ها بعلت بارندگی زیاد (همچون سال گذشته)، سیل خانههای روستائیان را فرا میگردد و مزارع آنها را آب از بین میبرد و بدین ترتیب در مقابل جانشان دسترنج چندماهه شان نابود میشود. امسال هم بعلت بارندگی بیش از حد در این استان و بخاطر نبودن امکانات و بی توجهی و عدم رسیدگی مقامات دولتی نسبت به همدارهای بی دربی روستائیان،

که در شکم داشت از بین رفتند و قربانی خیانتهای رژیم وابسته گذشته و بی توجهی مقامات دولت کنونی گردیدند. از اینگونه حوادث دلخراش در این مناطق بسیار است که فرصت برشمردن تک آنرا نیست

چرا برای تقسیم و واگذاری زمین به دهقانان اقدامی صورت نمی گیرد؟

متاسفانه پس از گذشت قریب به ۱۶ ماه از انقلاب، هنوز اقدامی جهت تقسیم و واگذاری زمین به روستائیان این استان از طرف دولت صورت نگرفته است. اهالی این مناطق که به اسناد و عده های دولت در زمینه توسعه کشاورزی، به روستاهای خود باز گشته اند، همچنان آواره و سرگردان مانده اند. باتوجه به اینکه کشت و کار در این استان فقط در فصل بهار و تابستان یعنی حداکثر تا آبانماه امکان پذیر میباشد، این بی فیدی در باره آینده مملکت و زندگی روستائیان موجب خواهد شد که مردم این نواحی در اثر فقر و گرسنگی و عدم امکانات کشاورزی، دوباره به شهرها روانه شوند.

خانها ستم میکنند وزور میگویند

هنوز که هنوز است در بعضی از روستاها مالکین و خان ها به کشاورزان و روستائیان ستم میکنند و زور میگویند و دولت هم تا کنون برای رفع این ستم، قدمی برنداشته است.

اسلام آباد (آستانه یلنگی)

بسراغ یکی از اهالی روستای "اسلام آباد" در بخش "اردل" رفتم و ویای صحبتهای او شنیدم. این روستائی ضمن بیان وضع موجود در این ناحیه، از مقامات دولتی و از دادگاه انقلاب استان کله و شکایت میکرد که: "پس چرا این دولت اسلامی و انقلابی بسراغ ما نمیاید و ما را از این بدبختی نجات نمیدهد، مگر ما انسان نیستیم؟ او سپس به معرفی روستای اسلام آباد پرداخت و گفت: "روستای اسلام آباد، معروف به "آستانه یلنگی" است که

دنگ هستند، یعنی هر آبادی دو دنگ بحساب میاید. مثلا روستای اسلام آباد که دودنگ است، یک دنگ آنرا مالک در اختیار دارد و دنگ دیگر را تمام مردم ده خانه های گلی خود را بر روی آن ساخته و زمین کشاورزی کمی در آن دارند. اهالی که از دست این مالک ببتگ آمده بودند، تصمیم گرفتند که برای شکایت از او به دادگاه انقلاب "شهرکرد" بروند. ۱۲ نفر به دادگاه مراجعه کرده و شکایت کردیم، ولی پس از سرگردانی زیاد بالاخره دادگاه انقلاب شهر کرد مارا جواب کرد و گفت: "بما مربوط نیست و کاری نمیتوانیم بکنیم. حالا مدتی است که میخواستیم مدرسه ای در روستا بسازیم تا بچه هایمان بعد از این به مدرسه بروند و چون زمین مناسبی نداریم، مجبوریم روی زمین های بایر مالک مزبور مدرسه را بسازیم که به آبادی نزدیک باشد، ولی او نمیگذارد و از ما طلب پول میکند، نمی دانیم چکنیم؟"

دولت تا کنون چه کرده است

کمی هم درباره کارهای تولیدی و عمرانی که تا بحال در این منطقه (شهرستان بروجن و توابع) توسط دولت انجام گرفته است، صحبت کنیم. بدنبال اختصاص یک روز درآمد نفت برای عمران و آبادی استانها، در این استان نیز "دفتر عمران امام" تشکیل شد و دست به طرح یک سلسله برنامه های تولیدی و عمرانی زد. برای آبادی و عمران روستاها در ابتدا اقدام به تشکیل "شورای همیاری" گردید و در تعدادی از روستاها که امکان دسترسی به آنان وجود داشت، این شورا بوجود آمد. اما در بعضی از روستاهای این منطقه به علت وجود مالکین و یا خانه هایی که مانع تشکیل چنین شورایی شده و در میان مردم چند دستگی و تفرقه ایجاد میکردند، تشکیل شوراهای همیاری "به تعویق افتاد. دفتر عمران امام تصمیم گرفت که کلیه طرحها و عملیات عمرانی روستاها را از طریق این شوراها بکاربرد. لذا کمکهای مالی خود را در اختیار شوراها گذاشته تا با کمک اهالی نیازمندیهای

مناطق روستایی و عشایری چهارمحال بختیاری از جمله محروم ترین مناطق کشور است. این محرومیتها میراث شوم رژیم سرسپرده و ضد مردمی شاهنشاهی است که از خانها و فئودالهای قلدر و ستمگر برای حفظ و تحکیم موقعیت خود در منطقه حمایت مینمود و دست آنها را برای جپاول و غارت روستائیان و عشایر زحمتکش بازگذاشته بود. ولی کوچکترین توجهی به وضع مردم محروم و ستمدیده این منطقه نداشت و کوچکترین قدمی در جهت بهبود وضع زندگی آنها برنمیداشت. شعاع طرحها و برنامه های عمرانی عمدتا به دو مرکز شهری بروجن و شهرکرد محدود بود و مناطق وسیع عشایری و روستایی استان از تیررس این برنامه ها بدور بودند. آنچه هم به اسم عشایر انجام میشد جنبه نمایشی و تبلیغاتی داشت و در خدمت وابستگان به رژیم قرار میگرفت.

متاسفانه در حال حاضر هم این محرومیتها همچنان باقی مانده است و اقدام چندانی برای از بین بردن آن صورت نگرفته است. محرومیت نوده های سلحشور و ومیهن پرست عشایر و دهقان این منطقه، لگه ننگی است و دولت باید سریعاً اقدامات لازم را برای از بین بردن این محرومیتها و بهبود شرایط زندگی مردم منطقه انجام بدهد. حل مسئله زمین و مصادره زمینهای فئودالها و خانها و مالکان ارضی بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان فقیر، نخستین گامی است که باید برداشته شود. ادارات دولتی و ارگانهای انقلابی استان نیز باید از وجود

میدیدم همیشه توسط هواداران سازمانهای دیگر کوبیده میشود و منم بدون اینکه بدونم چرا، همانطور برخورد میکردم. در ضمن برخوردهای که ابتدا رفیقان از حزب رنجبران با من داشت باعث شده بود که من ازش فرار کنم چرا چون اون با سازمان چریکها برخورد میکرد. تمام چیزها رو روئی کرد اما من قبول نمی کردم و حتی ازش بدم میومد ولی خوب بعد از مدتی یکسری مسائل برای خود من پیش آمد از قبیل اینکه اشغال افغانستان چرا توسط سازمان توجیه میشده و برخورد توده ها با این سازمان.....

هنوز خیلی برخورد ابتدائی و سطحی می کردم با سازمان و بعد این مسائل باعث شده که در این جلسه ای که توسط رفقای هوادار حزب رنجبران تشکیل شده بود شرکت کنم. آنجا مسائل زیادی برایم پیش آمد و کلا نتایجی که از اولین بحث گرفتم این بود: (۱) شما نه تنها آنطور که به ما گفتند آمریکائی نیستید بلکه ممکن است یک جریان درست حتی باشید. (۲) برخورد صادقانه ای که با من شد و اینکه بطور از روی اصول درست حرکت کرده و خواستید ابتدا باما روی مسائل مشخص و عام وحدت داشته باشید و در حین گفتن این مسائل روی نقاط انحرافی سازمان نیز اشاره شد.

خوب این جلسه واقعا برای من مفید بود و باعث شد بیشتر به فکر بروم. با مسائل برخورد کنم به مسائل بی اعتنا نباشم و غیره و بعد دیدم که بطور اشتیاق دارم که در جلسات بعدی نیز شرکت کنم. آنجا بود که من آموختم باید به خلق به خاطر منافع خود بی اعتنائی باشم باید احساسات و عواطف را کنار بگذارم و باید برخورد کنم با تشکیلات (چریکها) و اینرا نیز بگویم که ابتدا فکر میکردم تمام اشتباهات از تشکیلات نادرست بجنورد است اما بعدها متوجه شدم نه مسئله خیلی بزرگ و مهمه و خلاصه اشتیاق به خواندن کتاب مارا همنامی می کرد و بعد برخورد کردم با تشکیلات و دیدم چطور تمام مسائل

عوامل فئودالها و متنفذین پاکسازی شده و در خدمت توده های زحمتکش و محروم منطقه تجهیز شوند. تامین آب مشروب، برق رسانی، ایجاد راه مدرسه، درمانگاه، حمام، سیل بند، وسیل برگردان و... از جمله نیازهای اولیه منطقه است که باید با کمک و همیاری مردم منطقه برطرف گردد.

به محرومیت های بازمانده از رژیم سابق پایان دهید

دوماهه را در چند جمله میگویم: (۱) بی بردن به واقعیتها و باز کردن چشمها و دیدن اینکه شوری نه تنها سوسیالیست نیست بلکه ابر قدرتی خطرناک نیز است. در نتیجه قبول سوسیال امپریالیست.

(۲) اهمیت به حرکت خلق و توده های عظیم و نفی جریانهای چریکی و جدا از توده ها و اعتماد به توده.

(۳) بی بردن به احزاب رویزیونیستی در جنبش کمونیستی و نه تنها قبول این نکته بلکه قرار دادن مبارزه برای افکندن هر چه بیشتر این احزاب در این مرحله.

(۴) وحدت با جریانی که تا قبل از این برخورد با حساب دشمن و مخالف خط مشی و "سیاهه" بود. وظیفه خود را در این مرحله و در موقعیت فعلی اینطور قرار میدهم: شناساندن این انحرافات به توده های هوادار و تبلیغ خط درست در داخل توده ها و همچنین تکیه به استقلال ایران و ترویج خط نه غربی، نه شرقی در درون توده ها، بهیادادن به مذهب مبارز - مبارزه با خط مشی های اشتباه و از همه مهمتر: مطالعه فشرده و مداوم کتب مارکسیستی برای بسالابردن سطح تنویریک. و بالاخره در پایان از رفقا که زحمت کشیده و همچنین کمک کردند تا از اون حالت ناامیدی و دل سردی که عواقب وخیمی داشت بیرون آمده تشکر کنم که امیدوارم کردند به اینکه مبارزه را در جهاول زندگی خود قرار دهم. اما باید بگویم که هنوز سوالات زیادی در زمینه حزب رنجبران برای من وجود دارد که فکر میکنم در اثر کمیود مطالعه است و بر اثر مطالعه و برخورد با مسائل حل بشه تا حدودی نمونه اش خواهد بود تشکیل حزب باید بگم الان واقعا خوشحالم از اینکه تقریبا این بحران را گذراندم و باید بگم که اعتماد به توده راهگشای راهم است و میخوام که بیشتر درون توده ها باشم و از آنها درس بگیرم و نه جدا از توده ها و خط درست را تبلیغ کنم. م - م از بجنورد

عشایر زحمتکش و ستمدیده این منطقه باید در اتحادیه های دهقانی خود متشکل شوند و در وحدت با دولت ملی و در جهت تحقق خواسته ها و مطالبات بحق خود اقدام نمایند.

رویدادهای جهان



ایران در محاصره پایگاههای روسیه

روسیه برای تصرف و کنترل نفت و راههای آبی خلیج فارس به پایگاههای نظامی در این منطقه نیاز دارد و باین منظور در کشورهای مختلف خاورمیانه و درمزره‌های جنوبی خود تدارکات لازم را برای توسعه طلبی هایش فراهم می‌آورد. در عراق روسها با استفاده از قراردادهای نظامی و بیمنه‌های دو جانبه، انبارهای اسلحه و مراکز آموزشی زنجیره‌ای ایجاد کرده‌اند که سکوی پرش مهمی برای نفوذ در منطقه بحساب می‌آید.

اطراف پایگاههای نفست ایران در جنوب یکی از مهمترین مراکز تراکم پایگاههای روسیه است.

در یمن جنوبی چندین پایگاه هوایی و دریایی از طرف روسها ساخته شده و عده‌ای دیگر نیز در دست ساختمان است. این پایگاهها که توسط کارشناسان روسی اداره میشوند دارای مدرن ترین ابزار جنگی اند.

روسیها در ماههای اخیر نفوذ همه‌جانبه خود را در سوریه افزایش داده و مقادیر زیادی سلاحهای مدرن و جنگی نظیر تانک‌های تی-۷۲ که فقط در اختیار پیمان نظامی ورشو است به سوریه تحویل داده‌اند و دارای پایگاه های مستحکمی در این کشورند.

کرملمین به تکمیل سیستم پایگاههای خود اهمیت ویژه‌ای قابل است. روی این اصل فرماندهان و افسران عالی‌رتبه روسی مرتباً از این پایگاهها دیدن می‌کنند.

در آغاز یورش مغول وار ارتش روسی به افغانستان، مارشال "اوستینف" وزیر دفاع و مارشال "کوناکف" معاون فرمانده کل قوا به اتفاق یک هیئت نظامی بلندپایه به بغداد سفر کردند. آنها پس از

حسین و شرکت در یک جشن نظامی بسوی عدن (بایتخت یمن جنوبی) پرواز کردند.

تمام تاسیسات مهم استرالیایی فرودگاههای عراق بوسیله افراد نیروی هوایی روسیه کنترل و اداره میشوند. برستل پرواز و خدمات روسیه برای عملیات پرواز تا چند هزار نفر تخمین زده میشود.

بر اساس گزارش منابع آگاه نیروی هوایی روسیه در عرض یک ساعت قادر است خود را به مراکز مهم نفتی خاورمیانه برساند. این نیروها قادرند سط العرب را که راه ارتباطی با آبادان است کنترل نمایند.

روسیها برای رسیدن به امیر نشین نفت خیز کویت یک ریبغ ساعت با تانک و دو دقیقه با جت بمب افکن احتیاج دارند. ریاض بایتخت عربستان سعودی حدود ۶۰۰ کیلومتر با نزدیکترین پایگاه هوایی روسی - عراقی فاصله دارد.

در جمهوری ترکستان نیز روسها دارای شبکه‌های نظامی مهم می‌باشند، از پایگاههای این منطقه بود که قوای اشغالگر روس کشور افغانستان را بتصرف خود درآورد. به این ترتیب ابرقدرت تجاوزگر روسیه منطقه مهم خلیج فارس و بخصوص میهن ما ایران را در محاصره نیروها و پایگاههای نظامی خود دارد و قادر است در مدت کوتاهی استقلال و تمامیت ارضی میهن ما را در معرض خطرات جدی قرار دهد. در چنین شرایطی هوشیاری خلق و دولت جمهوری اسلامی و وحدت و انسجام درونی ما اهمیت بسیاری در دفاع از انقلاب

اخبار کوتاه بین‌المللی

ورزشکاران افغان پناهنده میشوند

* دو تن از ورزشکاران افغانی شرکت کننده در بازیهای المپیک مسکو در تماسی با خبرنگاران غربی در دهکده المپیک ظهار داشتند که آنها قصد پناهنده شدن به امریکا یا انگلستان را دارند.

یکی دیگر از ورزشکاران افغانی به خبرنگاران گفت که " پنج تن از اعضای تیم ما قصد دارند به سفارت انگلستان یا امریکا بروند. وی افزود برادری اخیراً از طریق پاکستان به امریکا پناهنده شده است و او نیز قصد دارد به برادرش در امریکا ملحق شود."

یکی از ورزشکاران استرالیایی نیز اعلام کرد که او در جریان گفتگوی یک گروه از ورزشکاران افغانی با خبرنگاران غربی در مورد پناهندگی به غرب بوده است. او همچنین اضافه کرد که مامورین امنیتی روسیه ورزشکاران افغانی را از خبرنگاران دور کرده‌اند.

لازم به یاد آوری است که قبلاً نیز چندین ورزشکار در رشته‌های مختلف از جمله فوتبال و بسکتبال به خاطر اعتراض به اشغال کشورشان از سوی ارتش روس به خارج فرار کرده‌اند.

جنبش افغانستان از کشورهای اسلامی انتظار کمک دارد

* دبیر کل کمیته اجرائی شورای اسلامی افغانستان ضمن محکوم کردن تلاش روسها برای پاشیدن تخم نفاق و دو دستگی بین مسلمانان خاطر نشان ساخت که از هنگام برقراری اولین دولت دست نشانده روس (تره‌کی) در افغانستان تا کنون بیش از پانصد هزار نفر از اعضای سازمان‌های مقاومت افغانستان را کشته‌اند. وی همچنین گفت جنبش مقاومت افغانستان از دریافت کمک‌های مادی کشورهای اسلامی مایوس شده است.

اعتصاب در لهستان ادامه دارد

* اعتصاب سرویس‌های حمل و نقل همگانی در شهر " شلم " واقع در ۱۸۰ کیلومتری ورشو (بایتخت لهستان) هم چنان ادامه دارد و این درحالی است که دولت از آنها خواسته است که به سر کار خود برگردند.

در شهر کراسک نیز که در نزدیکی شهر لوبلین قرار دارد کارگران یک کارخانه بلبرینگ سازی دست از کار کشیده‌اند.

ملاقات دو مقام اسرائیلی از چین تکذیب شد

* وزارت خارجه جمهوری خلق چین این شایعه را که اخیراً دو مقام اسرائیلی از چین دیدن کرده‌اند تکذیب کرد.

یک مقام وزارت خارجه چین دولت روسیه را متهم کرد که با بخش جنین دروغ‌هایی سعی دارد روابط حسنه میان چین و کشورهای عربی را مسموم سازد. مقام وزارت خارجه چین گفت: " چین با اسرائیل هیچ‌گونه روابط سیاسی ندارد و همچنین به علت سیاست نزاد پرستی دولت افریقای جنوبی هیچ گونه روابطی با این کشور بر قرار نخواهد کرد."

وی افزود: " دولت و مردم چین از مبارزه مسلحانه اعراب و فلسطینی‌ها و نیز مبارزات مردم افریقای جنوبی حمایت می‌کند."

مقاومت در برابر کودتاگران روسی

رویدادهای اقتصادی

مجتمع پتروشیمی بندر خمینی را برای خدمت به توسعه صنعتی کشور به پایان برسانیم

به دنبال مذاکرات امیر ناصر کوهیار، مسئول تام‌الاختیار مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن با مقامات ژاپنی، انتظار می‌رود که کار ساختمان مرحله پایانی این مجتمع که با همکاری ایران و ژاپن ساخته می‌شود، پس از ماهها وقفه، ادامه یابد. پس از پیروزی انقلاب ایران، ژاپن خود سرانه کار اتمام این پروژه را که نزدیک به ۸۰ درصد آن به پایان رسیده بود، متوقف ساخت. ماهها مذاکرات دولت موقت و دیگر مسئولین جمهوری اسلامی با ژاپنی‌ها تا کنون به نتیجه کاملاً قطعی نرسیده ولی انتظار می‌رود که تا یکی دو ماه دیگر ژاپنی‌ها برای ادامه عملیات پروژه وارد ایران شوند.

ایران بنای مذاکرات با ژاپن را بر اساس منافع متقابل و شرکت ۵۰-۵۰ گذاشته است که این با توافقیهای رژیم شاه که به ژاپن امتیازات بسیار زیادی می‌داد کاملاً متفاوت است. ایران همچنین خواهان انتقال کامل و خرید تکنولوژی ژاپن است.

قرار داد احداث این مجتمع راده سال پیش رژیم مزدور شاه با ژاپنی‌ها امضا کرد. در ابتدا قرار بود مجموعه هزینه این پروژه از ۴۰۰ میلیون دلار تجاوز نکند اما به علت سود چوبی امپریالیستهای ژاپنی و فساد، رشوه خواری و بی بندوباری مقامات ایرانی کل هزینه احداث این مجتمع تا کنون به ۳/۵ میلیارد دلار رسیده است که ۲/۲ میلیارد دلار آن در زمان شاه مخلوع خرج شده بود و ۱/۳ میلیارد دلار دیگر که هزینه مرحله پایانی است هم اکنون باقی مانده است.

مجتمع پتروشیمی بندر خمینی از جمله صنایع مادر است که اهمیت بسیار زیادی برای بی ریزی ساختمان صنعتی یک کشور دارد. این قبیل صنایع را تنها از کشورهای امپریالیستی می‌توانیم خریداری نمائیم، باید هوشیاری کامل داشته باشیم که کاملاً از موضع استقلال طلبی وارد معامله شویم و کوچکترین لطمه‌ای را به منافع ملی مان نپذیریم.

امپریالیستها از آنجا که در میان خود با تضادهای بسیار زیاد و حادی سر و کار دارند، به شرط اینکه ما بتوانیم سیاست‌ها و تاکتیکهای مناسبی اتخاذ کنیم می‌توانیم از تضاد و رقابت میان اینان استفاده کرده و تکنولوژی اینها را برای ساختمان صنعتی کشورمان خریداری نمائیم. بدون شک ما تا آنجا که بتوانیم باید در روابط خارجی روبه جهان سوم داشته باشیم و سعی کنیم که مناسباتمان را با اینها به حداکثر برسانیم. اما در جهان سوم تنها یکی دو کشور می‌توان یافت که در بعضی از رشته‌های صنایع مادر پیشرفته‌ایی کرده باشند و تازه اینها پیشرفته‌شان تا حدی نیست که بتوانند فروشنده تکنولوژی صنایع سنگین به ما باشند. در عین حال در میان امپریالیستها، دو ابر قدرت امریکا و شوروی، ستمکارترین و دزدترین دزدان غافل تبهکارانند. این دو ابر قدرت دشمنان اصلی خلق های جهان و از جمله خلق ما هستند، در نتیجه ما باید تا حد امکان از این دو جهان‌نخوار بزرگ دوری جویم.

کشورهای جهان سوم (اروپا و ژاپن) از آنجا که خود صاحب صنایعی کاملاً پیشرفته‌اند و در عین حال تضادهای فراوانی با دو ابر قدرت دارند، در عین حال آنجا که در کنار جهان سوم قرار دارند، نباید به آنها اعتماد داشته باشیم و نباید به آنها

رنجبر و خوانندگان

رنجبر روی زمین اتحاد

سلام به هیئت تحریر رنجبر

امیدوارم که همیشه در کار خدمت به کارگران پیروزی بدست آورید.

من یکی از طرفداران روزنامه رنجبر هستم که در کلاس سوم دبیرستان تحصیل مینمایم. از آنجا که در تابستان ناچار به کار کردن هستم چهار روز پیش رفتم سرکار بنایی. صبحها ساعت ۵/۵ باید از خواب بیدار شوم که بتوانم با سه بار تاکسی گرفتن و نومان گزایه تاکسی دادن ساعت ۷ سرکار باشم. کارها بسیار سخت است و ماسه و خاک و مصالح ساختمانی دیگر بیشتر از همه چیز چشمان مرا بدرد میآورد. بعد از چند ساعت کار قیافه‌های ماقابل تشخیص نیست.

خانه‌های اینجارا دونفر بصورت کنتراستی میسازند که اصلا بفکر کارگران نیستند و مرتب مثل ارباب که بانوگرش حرف بزند یا ما صحبت میکنند. این رفتار آنها نسبت به افغانها بسیار بدتر است و آنها را مرتب مسخره میکنند و به آنها ظلم میکنند و افغانها فقط میگویند: مهربانی - مهربانی.

روزاول کنتراست دهنده آمد و گفت دیواری که ساخته شده به آجرش آب نداد آید و باید آنرا خراب کنید و دوباره بسازید. این بابا شعور نداشت که بفهمد زیر آفتاب داغ آجر را وقتی آب بدهی ۵ دقیقه بعدش خشک میشود و او انتظار داشت دیواری که ساخته شده خیس باشد. او بعد به استاد کار گفت اگر کارگری آجر خشک داد دستت بزن تو سرش.

کارگران اینجا ۸ ساعت ونیم کار میکنند و زیر آفتاب داغ حتی اجازه آب خوردن هم ندارند. برای آب خوردن باید دقه دقیقه راه برویم تا به منبع آب برسیم تازه اگر کارفرما عیشش کشید و اجازه داد که آب بخوریم. ناگفته نماند که کارفرما خودش در کلن آب خنک دارد و هر وقت دلش خواست میخورد اگر گاهی آب ماند کارگرها میخورند.

با چنین وضعی من با کارگرها صحبت کردم که باید منبع آبی تهیه کنیم که همه هم تصدیق کردند. روز بعد کم کاری و گاهی اوقات سروصدای مامجورشان کرد که منبع آبی برایمان تهیه کنند. این کارفرماها از سر هم بدترند. آب خوردن دیگر چیزی است که از انسان دریغ شود!؟ آنهم برای کارگری که با کارش جیب کارفرما را برمیکنند.

ساعت استراحت ما بین ۱ تا ۳ است. یکروز یکی از کارفرماها آمد و گفت بروید سرکار و در جوابش ما گفتیم الان ساعت دوونیم است و نیم ساعت مانده او گفت اوستا رفته سرکار شما هم باید مشغول شوید. یعنی اینکه اگر اوستا دلش خواست ۲۴ ساعت کار کند ما هم مجبوریم در مقابل مزد ثابت اضافه کار کنیم.

ما وسایل ایمنی نداریم، خطر افتادن از روی چوب بست یا ریزش آجر روی سر کارگر و مشکلات دیگر هم هست و کارگران عرب و کرد و ترک و افغانی هستند مجبورند مشکلات را تحمل کنند تا بیکار نشوند چون بیکاری بددردی است. حالا من خانواده تحت تکفل ندارم ولی کسان دیگر که دارند خیلی رنج میکشند.

شاید بعداً نامه دیگری برایتان بنویسم ولی فقط بگویم که افغانها هدفشان از کار کردن جمع آوری پول برای خرید اسلحه و رفتن به جبهه جنگ است. آنها در مقابل دوا بر قدرت موضع دارند و میخواهند جمهوری اسلامی در افغانستان برپا کنند.

کارگران اینجانه بیمه، نه بهداشت، نه مسکن، نه ایمنی کار و نه هیچ چیز دیگری ندارند و اگر اجبارند اشنتد شاید یکساعت هم کار نمیکردند.

اگر این نامه را چاپ کردید برای همه کارگران بنویسید که برای بدست آوردن خواسته‌های خود هر قدر هم که جزئی باشد باید این شعار را بخاطر بسیاریند و عمل کنند.

رنجبر روی زمین اتحاد از آبادان - است

به دنبال کودتای پنجشنبه هفته پیش در بولیوی روی کار آمدن نظامیان، مقاومت اقشار و طبقات مختلف مردم بر علیه کودتاجیان بالا گرفته است. بنا به دعوت اتحادیه‌های کارگری اعتصاب عمومی سراسر کشور را فراگرفته است و بنا به گزارشهای رسیده مردم به این دعوت جواب مثبت داده‌اند. بیشترین مقاومت‌ها از ناحیه معدنچیان است که دارای فرستنده رادیویی نیز می‌باشند و در پنج منطقه فعالیت دارند، در همین رابطه رادیوی معدنچیان اعلام داشت که در دو منطقه سربازان با مقاومت شدید روبرو شده‌اند. تا کنون صدها نفر از مخالفین توسط کودتاجیان دستگیر و زندانی شده و عده‌ای دیگر نیز کشته و زخمی شده‌اند.

مجلس ...

بقیه از صفحه اول

مردود تلقی گردیده بود. آقای غضنفریور کلیه اتهامات وارده را رد کرده و نتیجه آن به رای مجلس گذاشته شد که از مجموع ۲۰۹ نماینده حاضر در جلسه اعتبار نامه آقای غضنفر یور با ۹۲ رای موافق، ۶۴ رای مخالف و ۵۳ رای ممتنع تصویب گردید.

از جمله اتهاماتی که از طرف کمیسیون تحقیق بعنوان دلیل به مجلس ارائه شد عبارتند از: سابقه تزلزل در میانی عقیدتی، نزدیکی با "ماؤتسیستها" در فعالیت دانشجویی خارج از کشور و بخش نوارهای مبتذل و مخالفت با پاکسازی در صدا و سیما! طبق توضیحات آقای فساد کریمی، بعنوان معترض به اعتبارنامه ماخذ و منبع این اتهامات از گزارشات چند نفر از کارکنان صدا و سیما و همچنین نامه‌ای از طرف انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور بوده است.

آقای احمد غضنفریور در دفاع از خود از جمله قسمتی از نوار سخن رانی خود در نماز وحدت کارکنان صدا و سیما که در قم بر گزار شده بود را بخش کرد و به مواضع خود در دفاع از امام خمینی اشاره نمود.

آقای غضنفر یور در مورد گزارشی که با امضاء کارکنان صدا و سیما علیه وی قرائت شده است سخن گفت و افزود که بعد از انتخاب ریاست جمهوری عده‌ای در صدا و سیما علیه آقای بنی صدر کارشکنی می‌کنند. بنا براین همان عده علیه بن نیز می‌توانند کارشکنی بکنند و شما نمیتوانید به استناد حرفهای آنها به

من برجسب مخالفت با امام و نظام جمهوری اسلامی بزنید. وی در مورد بخش برنامه‌های مبتذل از رادیو و تلویزیون، ضمن اشاره به اعتراض حجت‌الاسلام خامنه‌ای در نماز جمعه اشاره کرده و افزود که مسئول برنامه "سیاه‌بازی" من نیستیم.

آقای احمد غضنفریور در مورد فعالیت خود در خارج از کشور افزود که در گزارشات ساواک آمده است که من "ماؤتسیست" هستم. مگر ساواکی ها ورژیم شاه در مورد امام خمینی چه گفتند؟ آنها در مورد آقای بنی صدر می‌نوشتند که رهبر گروه "مارکسیست های اسلامی" با امام خمینی ملاقات کرده است. وی افزود که من در اعتصاب غذاها و مبارزات دانشجویان علیه رژیم شاه شرکت می‌کردم.

آقای غضنفریور سپس از سخنان آقای غضنفریور آقای صلواتی یکی از نمایندگان اصفهان در دفاع از وی سخن گفت و به فعالیت‌های ایشان در اصفهان بین جوانان مسلمان اشاره نمود و پس از آن آقای خلخالی به دفاع از وی پرداخت و حجت‌الاسلام فردوسی که به همراه امام خمینی به پاریس عزیمت کرده بود بعنوان شاهد سخن گفت و مجلس وارد رای‌گیری شد و باین ترتیب اعتبار نامه آقای غضنفر یور به تصویب رسید.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری

مدیرمسئول: علی حجت

نشانی: خیابان مصدق، پانزین تراز میدان ولی عصر، کوچه زمرد، شماره ۷

دفتر: پستی: تهران - صندوق پستی

۳۱۴ - ۱۴۰۱. منطقه پستی ۱۵

توانند بر ما تسلط شوند، می‌تواند منبع و بازار خوبی برای خرید مسی باشد. ما مجبوریم برای توسعه اقتصاد ملی خود، وسایل تولید، به میزان زیاد، خریداری کنیم. از طرف دیگر به دلیل اینکه می‌خواهیم مستقل بمانیم و زیر سلطه هیچ قدرتی نرویم، مجبوریم برای دستیابی به پیشرفتهای غرب، مبارزهای حاد و سخت را در پیش گیریم.

اولین قدم این مبارزه در جبهه داخلی مبارزه با انقلابیگری کاذب و مدارا جویی و سازشکاری بورژوازی است. انقلابیگری کاذب که در دنیا فقط سیاه و سفید را می‌بیند و قادر به تشخیص هیچ رنگ دیگری نیست، همه را وابسته و مرتجع قلمداد می‌کند، عملاً ما را منفرد نموده و سپس ناگزیر بدامان سوسیالیسم امپریالیسم روس می‌کشد. مدارا جویی و سازشکاری بورژوازی هم در مناسبات خارجی و در مبارزه برای استقلال و ترقی، اصل اساسی اتکا به نیروی توده‌ها را نادیده گرفته و به جای ایجاد رابطه مناسب و بر اساس منافع متقابل با خارج، به‌مماشات جویی و مدارا جویی با آنها می‌پردازد.

انقلاب ایران باید با زدودن انحرافات گوناگون، با تکیه به نیروی توده‌ها برای دستیابی به استقلال اقتصادی، در درجه‌اول به شکوفایی تولید ملی پرداخته و در مناسبات خارجی اصل وحدت با جهان سوم، جلب جهان دوم و انفراد دو ابر قدرت را در پیش گیرد.

ابرقدرت آمریکا

به سرعت غروب می‌کند

منابع امریکایی اعلام کردند که تولید ناخالص ملی این کشور در سه ماهه دوم سال جاری (۱۹۸۰) نسبت به مدت مشابه سال قبل، با احتساب تورم، ۹/۱٪ کاهش یافت. تولید ناخالص ملی آمریکا که در اولین سه ماه سال ۱۹۸۰ نسبت به مدت مشابه سال ۷۹ در حدود ۱/۲٪ افزایش نشان می‌داد، با کاهش عجیبی در سه ماهه دوم روبرو بوده است.

مدتهاست که مقامات اقتصادی آمریکا و همچنین دیگر کشورهای امپریالیستی هشدار می‌دهند که به زودی جهان غرب با یک رکود اقتصادی روبرو خواهد شد. برجسته‌ترین علت این رکود بیش از هر جای دیگر مربوط به ناسامانیا و تضاد های پیچیده امریکاست.

جهان امپریالیستی هر کجا که برود و به هر چیز که متوسل شود تا زمانی که چهره کریهاتش به وسیله قهر توده‌ای و انقلابات خلق‌ها کمالات دریده نشده، بنا گزیر باید در بحران‌ها و تضادهای گوناگون دست و پا بزند و سیر رو به‌زوال خویش را نظاره کند. امپریالیسم، چه در شکل غربی و چه در قیافه شرقی، جهان‌خوار، ستمگر و انحصار گر است و بهر حال اصلی‌ترین ویژگی‌های امپریالیسم را داراست.

امپریالیستها، مجبورند بار بحرانهای خود را به دوش کارگران، خلق‌ها و ملل ستمدیده جهان بیندازند. حتی در کشورهای امپریالیستی، این کارگران زحمتکش و سرمایه داری غیر انحصاری و انحصارات ضعیف‌تر هستند که از بحران‌ها آسیب و زیان فراوان می‌بینند. حرکت امپریالیسم، حرکتی پرتضاد و آمیخته‌ای از جلوه‌های بر تناقض است که در نهایت جز با انقلابات قهر آمیز توده‌ای حل آنها امکان پذیر نیست. بیشک سالیهای آینده سالیهای عمیق‌تر شدن بحران‌های درون سیستم امپریالیستی، سالیهای اوجگیری و پیروزی هرچه بیشتر جنبش‌های ملی در کشورهای تحت سلطه و سالیهای رشد جنبش‌های کارگری در خود کشورهای امپریالیستی خواهد بود.

۹/۱٪ کاهش تولید ناخالص ملی در آمریکا نشانگر عمق بحران‌های امپریالیستی است. این رقم نشان می‌دهد که امپریالیسم با چه سرعت اعجاب آوری رو به نابودی می‌رود. این رقم نشان می‌دهد که افول و غروب امپریالیسم آمریکا تا چه حد با سرعت دارد به جلو می‌رود.

مالاریا را از محله «کنار پل نو» آبادان ریشه کن کنید

وقتی از ایستگاه ۱۲ به طرف پل نو (بر روی رودخانه بهمنشیر) میروی ، در دو طرف جاده در میان نخلهای خرما تعداد کثیری خانه به جسم می - خورد که شاید نزدیک به صد خانوار در این محله زندگی می کنند . خود اهالی آن را محله کنار پل نومی نامند . سطح خانهها حدود ۴ متر پائین تر از سطح جاده است .

از همان بالا که در جاده ایستاده ای و نگاه می کنی چهره زشت محرومیت و فلاکت که بر خانه های مردم زحمتکش این محله سایه افکنده است قلب انسان را به درد می آورد . براجتی می توان حدس زد که عده دیگری از همیهنان زحمتکش این آب و خاک در این چهار دیواری ها ، زندگی بربختنی را می گذرانند .

کرده است . همین الان زنم و دو بچهام در بیمارستان هستند . بچه ها قرار است امروز مرخص شوند ولی زنم باید بماند ، مالاریا دارد . اصولا مالاریا در این محل ریشه گرفته است . " در جای دیگر با زن جوانی که به اتفاق مادر و بچهاش (جواد بغلانی) از منزل بیرون می آید برمی خوریم . جواد زرد و بی حال در آغوش مادرش افتاده شش سال بیشتر ندارد . مادرمی گوید : " دارم میبومش بیمارستان ، می دانم چه شه ، دلش درد می کنه .

می دانم فقط به خاطر این لجن و گندابه . " مادر رنج کشیده ادامه می دهد : " به خاطر زیادی مگس و پشه نمی توانیم غذا را هم به راحتی بخوریم .

در جای دیگر چاه خانه های از فاضلاب پر شده و به طرف گنداب سرا - زیر است . به گفته اهالی شبیه به خاطر بوی متعفن این آبهای راگند خواب به چشم کسی نمی رود . تعداد زیادی از نخلها نیز بر اثر وجود این گندابها زرد و خشک شده اند و گوئی آنها هم مالاریا گرفته اند .

آقای علی زاده اضافه می کند : " یک بار از طرف جهاد سازندگی به اینجا آمدند و گفتند صد هزار تومان خرج پوشاندن این جوی آب می شود . اگر اهالی این پول را بدهند آنرا درست می کنیم . ما هم گفتیم چنین پولی نداریم . جهاد پیشنهاد کرد که

زندگی می کنند . خانه ای جلب توجه می کند که دیوارگلی اش شکم داده و در حال فرو ریختن است . صاحب خانه دو سال است که بیکار و سرگردان است و تنها گگاهی عملگی می کند . در این محله هیچ رقم مغازه ای وجود ندارد . برای بچه ها مدرسه نیست و آنها مجبورند برای درس خواندن به مدرسه " محله مصدق " بروند . بیمارستانی در نزدیکی محل قرار دارد که می تواند قدری کمکهای درمانی اهالی را تامین کند .

نصف این پول را ما بدهیم و نصف دیگرش را خودشان تامین کنند . باز گفتیم که اگر ما ده هزار تومان پول داشتیم خودمان خاک می ریختیم و این جوی را بر می گردیم . آنها هم رفتند و دیگر بیدیشان نشد .

گندابها را بخشکانید

آب و برق نداریم درست و حسابی

اما همه این مصائب یک طرف ، مسئله بیماری خطرناک مالاریا طرف دیگر . مردم زحمتکش محله کنار پل نو آبادان در درجه اول خواهان خشکاندن گندابها و جلوگیری از شیوع بیماری مالاریا در محله هستند که اگر جلوگیری نشود نه تنها اهالی این محله قربانیان آن خواهند بود بلکه تا کوی مصدق نیز کشیده شده و خطر آن اهالی این محله را نیز تهدید خواهد کرد .

به همین جهت خواست اولییه اهالی محل است که مسئولین مربوطه شهرداری هرچه زودتر وارد عمل شوند . این معدن بیماری را بخشکانند تا مردم محروم قدری فارغ از خطر بیماری مالاریا زندگی کنند .



عشایر پشیمان انقلاب اسلامی هستند

آبادیه - ۲۴ تیرماه - محمد بنی حبیبی استاندار فارس که از آبادیه دیدن میکرد با خبرنگار کیهان گفتگوی درمورد امنیت منطقه و مسایل عشایری داشت . وی درمورد عشایر گفت : عشایر انقلاب اسلامی را کاملا قبول دارند و چون تا بحال ناموران دولتی در رده بالا داخل عشایر نرفتند ، آنها نظرات دولت را نمی دانستند و این خود مشکلی بود . استاندار فارس همچنین گفت تا مین امنیت منطقه مورد نظر دولت است ، ما خانی که بر اساس زمینداری خان

دیدار امام با نمایندگان مهاجرین نوسود

برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احترام از کنند امام خمینی روز دوشنبه ۳ تیرماه ، با نمایندگان مهاجرین قشر فرهنگی نوسود از غرب کشور و فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران شهریاوه دیدار کرده و به مسائل و مشکلات آنها گفتگو داشت .

روزها بر رئیس جمهور چگونه میگذرد

اگر این حداقل آزادیها از بین برود،

ایران ناگزیر بسوی رژیم می رود که در آن هر که توانست زور را زودتر سازمان بدهد حاکم خواهد شد

دکتر بنی صدر رئیس جمهور کشورمان گوشه ایی از فعالیت های روزانه خود را در روزنامه انقلاب اسلامی منعکس می کند . این گزارش ها کسه تحت عنوان " روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد " به چاپ می رسد ، حاوی نکاتی از اوضاع و احوال سیاسی کشور می باشد . در اینجا قسمتی از کارنامه جمعه ۲۷ تیر ماه رئیس جمهور را به نقل از "انقلاب اسلامی" سه شنبه ۳۱ تیر ماه می آوریم .

در بروجرود نیز گفتم که وطن ما بر سر دوراهی خطر انهدام و پیروزی قرار گرفته است . عده ای میخواهند جمهوری را از راه زورگویی ها و دخالت در اموری که به آنها مربوط نیست به عصر جاهلیت شاهنشاهی برگردانند . در آن جا گفتم که اگر ما سال جدید را با شعار دوبرابر کردن تولید و با شعار سالم کردن جو حیات اجتماعی بسر نبریم ، ناگزیر با تورم بیشتر بسر خواهیم برد و مشکلات ما روزافزون خواهد شد . گفتم از زمان ریاست جمهوری من ، یک بررسی کنید ، مردم خودشان ببینند چه مشکلات جدیدی علاوه بر مشکلاتی که بوده در سر راه ما بوجود آورده اند و ببینند چه کسانی این مشکلات را بوجود آورده اند . آنها هستند کسانی که میخواهند ایران سامان یگیرد و دانسته و ندانسته اسباب کار دشمنان ما میشوند . از آنجا به خرم آباد و از خرم آباد به تهران باز گشتم .

بعد از ساعت ۱۰/۵ شب آقای دکتر سجایی بمنزل من آمد و گفت که امروز بعد از نماز ظهر محل جنبه ملی را تصرف کرده اند . بعد پاسداران آمده و سران کمیته در آنجا مستقر شده اند ، او می پرسید چه باید کرد . و حق اینست که ما این قانون را برای چه تصویب کردیم ؟ اگر قرار باشد قانون اساسی را که تصویب کرده ایم ، اجرا نکنیم و از ابتدا بلااجرا بگذاریم این خود یک ضربه اساسی نیست که به جمهوری اسلامی وارد کرده ایم ؟ و اما جنبه ملی و سربوشت آن از زمان مصدق تا امروز سربوشت جریانی است که کسانی در آن پیدا شدند که بعد به رژیم دست نشانده خارجی پیوستند و کسانی هم بودند که " نه " گفتند و بر سر " نه " ای که گفته بودند ماندند . اگر در مبارزه کسارایی حسدی از خود ظاهر ساختند ، اما ارزش اساسی خود را از دست ندادند و در " نه " ای که گفته بودند باقی ماندند . امروز چه چیز مورد حمله قرار می گیرد ؟ آنها تکیه به رژیم پیوستند به خاطر تسلیم طلبی آنها این حمله صورت می گیرد که از آنها در دستگاه حکومت جدید کم نیستند و در همه جا هستند . اگر به مبارزاتی که با سلطه خارجی جنگیدند حمله می شود این وجهه عم انگیزی است و اگر به استبداد اینکه آنها در توطئه اخیر دست داشته اند هیچ علامتی از اینکه جنبه ملی در این توطئه وارد بوده نیست . تنها نام یکی دو تن از افراد حزب ایران ، حزبی که بختیار نیز مدتی رهبر آن بود پشیمان آمده است و با یکی دوشن نمیتوان یک جمعی را بخصوص جمعی که رهبر آن دکتر سجایی در تباری به حضور امام رسید و با ایشان میناق بست منبهم کرد و اگر بتوان کرد این حکم را باید درباره همه کرد و باستاد خرابکاری هر کدام از اعضای هر یک از احزاب باید در آن احزاب را بست و یک بام و دوهوایی امیری نیست که قابل دوام و ادامه باشد . بنا براین خواست که یک قرار عمومی گذاشته شود (حالا که قرار نیست قانون اساسی اجرا شود) و همه این گروه ها به استناد کارهای افرادشان مورد ارزیابی قرار بگیرند و هر وقت معلوم شد که یکی از افرادشان خلافکاری عمده کرده است آن گروه و آن حزب تعطیل شود . این مطالب که در گامه بخاطر دفاع از انقلاب اسلامی

از اختلافات بود . امام خمینی در این باره گفتند : "یکدسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته از مسلمانان سنی ، یک دسته حنفی و دسته‌های حنبلی و دسته‌های اخباری هستند . اصلا طرح این معنی از اول درست نبوده . در یک جامه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود ماهم برادر هستیم و باید یک تضاد داشته باشیم . ماهم باهم برادریم . برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند ... امیدوارم که شما در این جمهوری که مال خودتان است نیکدسته خاص ، چون جمهوری اسلامی است ، هیچ خدش‌های واقع نشود . موفق و مؤید باشید ."

بعد از حمله به دفتر حزب در اهواز



در شماره‌های قبل گزارش دادیم که به دفتر حزب رنجبران ایران در اهواز حمله شده و مهاجمین دست به تخریب دفتر و اموال و اسباب آن زدند . رفقا و هواداران حزب به دفاع از خط مشی حزب و توضیح برای مردم پرداختند که مورد توجه و حمایت مردم قرار گرفت . ما گزارش کامل فعالیتهای رفقا و هواداران حزب و برخورد مردم را در شماره آینده منعکس خواهیم کرد . در اینجا عکسی از دفتر رنجبر در اهواز را که بعد از حمله و تخریب برداشته شده ، می‌بینید .

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

حسابهای خود را

بانک ملی ایران

به حساب بانکی زیروارز نمائید : تهران - شعبه خیابان ابرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

استاندار فارس در بخش دیگری از گفتگوی خود اذعان کرد که سفرش در رابطه با مسائل عشایر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است .

در برابر نوظه‌های ...

بقیه از صفحه اول

روسیه و مزدورانش می‌خواهند این رفایت برای سلطه بر جهان را در پوشش باصطلاح "حمایت" از انقلاب اسلامی ، عرضه کنند .

نوظه‌های امریکای عمالش را بطریق مختلف دیدیم : از تجاوز طیس تا نوظه‌کودتا درون ارتش ، روسها نیز بطریقی مودیانه‌تر نوظه میکنند و در عین حال میکوشند از شکست نوظه‌های امریکایی بسود خودبیره برداری کنند و همکاری دولت جمهوری اسلامی را با خود جلب نمایند و خودرا "متحد طبیعی" و "حامی بزرگ" خلق ایران جا بزنند . در این میان اخبار و سایعات فراوان بی‌رامون نقشه‌تجاوز اتنی صدانقلاب مستقر در عراق ، یعنی با ندهای صلح مزدورآویسی جلا و اعمال بخنبار خائن ، بخش میشود . میکوبند آنها طرح تجاوز به کردستان و خوزستان و اشغال این نواحی توسط یک "ارتش مزدور" را میریزند . این "طرح" اگرچه طرح ماجراجویانه و احمقانه‌ای است که شکست آن بانوجه به بسیج مردم حتمی است ، لکن در چارچوب برنامه‌های امریکالیسم زخم‌خورده امریکا و ایادی و عمال منطقی آن ، که میکوشند بفر تقدیر به جمهوری اسلامی ضربه زنند ، کاملا محتمل است .

از مجموع این داده‌ها چنین نتیجه حاصل میشود که محاصره ایران از چهارسو توسط نیروهای نظامی دو ابر قدرت و عمال و متحدین آنها ، محاصره‌ای که ماهیست برقرار است ، تشدید شده و ایران بیش از گذشته در معرض خطر تجاوز و تعرض به انواع مختلف قرار دارد .

این تشدید و خامت اوضاع ناشی از چیست ؟

شک نیست که دوا بر قدرت و عمالش هرگز از خیال سلطه بر ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی دست نمیکشند و برای تحقق منظور بلید خود هر روز به نوظه جدیدی دست میزنند . این از سرست ابر قدرتها ناشی میشود و امری است اجتناب ناپذیر . لکن ابر قدرتها همانطور که تاریخ بارها نشان داده است بیرکاغذی هستند . یعنی اگر خلقی متحد و یکپارچه و مصمم شود قادر است بوزهر نخوت آنها را به خاک بمالد ، گستاخی آنانرا

از مجموع این داده‌ها چنین نتیجه حاصل میشود که محاصره ایران از چهارسو توسط نیروهای نظامی دو ابر قدرت و عمال و متحدین آنها ، محاصره‌ای که ماهیست برقرار است ، تشدید شده و ایران بیش از گذشته در معرض خطر تجاوز و تعرض به انواع مختلف قرار دارد .

این تشدید و خامت اوضاع ناشی از چیست ؟

شک نیست که دوا بر قدرت و عمالش هرگز از خیال سلطه بر ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی دست نمیکشند و برای تحقق منظور بلید خود هر روز به نوظه جدیدی دست میزنند . این از سرست ابر قدرتها ناشی میشود و امری است اجتناب ناپذیر . لکن ابر قدرتها همانطور که تاریخ بارها نشان داده است بیرکاغذی هستند . یعنی اگر خلقی متحد و یکپارچه و مصمم شود قادر است بوزهر نخوت آنها را به خاک بمالد ، گستاخی آنانرا

بیم و امید

وقتی انسان در میان توده‌های مردم و در حضور آنهاست امید سرا پای او را می‌گیرد . اطمینان پیدا میکند به اینکه این مردم بهیچ قیمتی ارزش خودشان (بنی‌صدر حمایت می‌کنیم) دست نخواهند کشید . احساس می‌کند که این موجهای عظیم انسانی هر سد و مانعی را از سر راه بر می‌دارد . در آنجا هم در حضور آن قیافه‌های مصمم و شاد ، آدمی اراده خداوندی را منعکس می‌بیند و اطمینان پیدا می‌کند که در برابر خواست الهی که در قیافه‌های مصمم و حمایت گر مردم موج می‌زند نوظه توطئه‌گسران و بازی‌های فرصت طلبان ناجز است . وقتی به عظمت روح و معنویت که در این اجتماعهای بزرگ بروز و ظهور میکند می‌نگریم ، آمریکا و قدرت او خرد و کوچک میشود و وقتی در تنهایی ویا اینان می‌نشینیم و مسائل و مشکلات پیش‌ماید و دخالت‌های ناجا و اینکه هر کس در هر جا حکم صادر میکند و به اجرا میگذارد و اسکند در هر روز تعداد کثیری کشته می‌شوند و مشکلاتی که پدید می‌آوردند و بازی‌ها که جور می‌کنند . بیم به آدمی دست می‌دهد که با اینهمه مشکلات و بازی‌ها آیا میتوان از چیره جرح شتاب گیر مشکلات و موانع سلامت بیرون رفت و باز بجه آنها شد ؟

و این بیم‌ها وقتی آدمی خطوط عمل دشمن را می‌شناسد ویا یک روش درستی می‌تواند از روی علائم و بیانها ، عملکردهای دشمن و خطوط عمل او را بدست بیارد و می‌بیند که این خطوط دارند عمل می‌شوند و به اجرا در می‌آیند فرومی می‌گردند و در این حال باید به خدا پناه برد و از راه سخن یا او امید را حاکمترین بیم کرد . پناه بر خدا که بیاری او و حمایت مردم امید بطور قطع جای بیم را بگیرد .

سه‌شنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۵۹ ، انقلاب اسلامی

روز قدس باشکوه خاصی در تهران برگزار میشود

روز قدس روزی است که باید با ابر قدرتها هشدار داد

اخیرا ستادی بمناسبت برگزاری روز قدس تشکیل شده و طی دعوتنامه‌ای از کلیه شخصیتها و جنبشهای اسلامی برای شرکت در مراسم برگزاری روز قدس در ایران دعوت نموده‌است .

در قسمتی از این دعوتنامه چنین می‌خوانیم : رهبر انقلاب اسلامی امام امت خمینی فرمودند ، که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات دهیم و فرمودند روز قدس روزی است که باید همه ابر قدرتها هشدار داد که باید دست خود را از روی مستضعفین بردارند و سر جای خود بنشینند . اسرائیل دشمن بشریت و دشمن انسان است ، که هر روز غائله میکند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش میکشد

در قسمت آخر اطلاعیه ضمن تاکید روی آزادی سرزمین قدس و لزوم برنامه‌ریزی برای اینکار چند مسئله از سازمانها و جنبش‌های آزادیبخش خواسته شده :

۱- روز جمعه آخر ماه مبارک بطور رسمی روز قدس برای تمامی مسلمانان اعلام گردد .

۲- فعالیت بیگیری برای بزرگداشت هر چه باشکوه‌تر این روز چه توسط تظاهرات گسترده ویا با جنبشهای پرشکوه و یا بوسیله نمایش فیلم و ارسال تلگرام های شادباش و آنچه که درخور این روز باشد تا خلقهای اسلامی روح معنویت و خودجوشی خود را با خاطر این آرمان باز یابند .

۳- ارسال نمایندگانی خود در مراسم روز قدس که در تهران برگزار میشود تا این گردهمایی بهترین فرصت مناسب باشد تا پیرامون این مسئله اساسی مذاکرات بعمل آید .